



رشد پلکانی حقوق‌ها
افزایش ۲۱ تا ۴۳ درصدی حقوق کارمندان



ترامپ علیه مالکی
خواب آمریکا برای نخست‌وزیری عراق



تله قزچه
چرا تهاوتر نفت در برابر کالا اشتباه است؟

راه خروج

مذاکرات فنی و عمیق

سیدعباس عراقچی و رافائل گروسی در ژنو
پیش از مذاکرات ایران و آمریکا
بیانگر آن است که ایران تلاش دارد
تا مذاکرت را به نتیجه برساند



یادداشت روز

غنی‌سازی یا «حق غنی‌سازی»؟

درباره اختلاف دیرینه ایران و آمریکا

کوروش احمدی

دیپلمات پیشین



اظهارات مقامات ایرانی و آمریکایی از بهار گذشته تاکنون حاکی از آن است که غنی‌سازی تنها موضوع یا موضوع اصلی مورد اختلاف است. اگر این فرض درست باشد، سوال این است که آیا ایران بر انجام غنی‌سازی در داخل اصرار دارد یا تحت شرایطی فعلاً می‌تواند به شناسایی «حق غنی‌سازی» نیز بسنده کند. سخنان مقامات در این مورد روشن نیست. به‌عنوان مثال، آقای عراقچی در ۲۸ آبان تأکید کرد که «هرگونه توافق برای صفر کردن درصد غنی‌سازی هسته‌ای را خیانت می‌دانیم و نمی‌پذیریم». اما او در کنگره ملی سیاست خارجی در ۱۸ بهمن گفت: «این حق من است که غنی‌سازی انجام دهم و طبق قانون به خودم مربوط است که این حق را اجرا بکنم یا نکنم».

اکسیوس در جریان مذاکرات قبلی در ۳۱ مه مدعی شده بود که دو ایده یکی «تعلیق غنی‌سازی در ایران در ازای شناسایی حق غنی‌سازی ایران توسط آمریکا» و دیگری «ایجاد یک کنسرسیوم غنی‌سازی منطقه‌ای» در دور چهارم مذاکرات توسط عمان مطرح شد. رویترز هم در ۲۸ مه از قول دو منبع ایرانی نقل کرده بود که ایران حاضر به تعلیق یک‌ساله غنی‌سازی است به‌شرط اینکه ترامپ علناً حق ایران برای غنی‌سازی را به رسمیت بشناسد، تحریم‌ها لغو یا تخفیف یابند و سپرده‌های ایران آزاد شوند. رویترز اضافه کرده بود که چنین فرمولی اگر مطرح باشد شامل نظارت قوی آژانس و تعیین تکلیف مقادیر اورانیوم غنی‌شده نیز خواهد بود.

برای فهم اینکه چنین فرمولی عملی است یا خیر، نگاهی به مبانی حقوقی موضوع ضروری است. مطابق ماده ۴ ان‌بی‌تی، همه اعضای این پیمان حق «توسعه، پژوهش و استفاده از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز» را دارند. در مورد اینکه این حق شامل غنی‌سازی هم می‌شود یا خیر بین حقوق‌دانان اختلاف‌نظر وجود دارد. اما اکثر آنها می‌پذیرند که غنی‌سازی نیز از آن مستفاد می‌شود؛ هرچند که حق غنی‌سازی مطلق و ذاتی نیست و موکول به تبعیت کشورها از مفاد ماده ۳ ان‌بی‌تی، یعنی نظارت آژانس و پایبندی به اجرای توافق‌نامه پادمان است. اکثر کشورها به‌ویژه کشورهای غربی نیز چنین سیاستی دارند و سیاست آمریکا همیشه سختگیرانه‌تر از بقیه بوده است.

سوابق امر حاکی است که تاکنون شناسایی رسمی «حق غنی‌سازی» نه هیچگاه مطرح بوده و نه اساساً موضوعیت دارد؛ چراکه تکلیف را مواد ۳ و ۴ ان‌بی‌تی مشخص کرده و آمریکا نیز به‌عنوان یک کشور عضو پیمان در مقامی نیست که شناسایی یا عدم شناسایی حق غنی‌سازی از سوی آن مطرح باشد.

ادامه در صفحه ۳



تنی زخمی

وطن

۴۰ روز از وقایع تلخ ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه

و پرکشیدن هزاران جوان این مرز و بوم گذشت

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور می‌گوید:

جامعه ما زخمی است و اگر درمان نشود، کل جامعه را گرفتار خواهد کرد

سازندگی این موضوع را بررسی کرده است

جامعه‌ای حساس، خشمگین، نگران، بی‌اعتماد و البته مستعد واکنش‌های خشونت‌آمیز. پس اگر این درد درمان نشود، عفونت می‌کند و باید زودتر از هر موضوعی، درمان این جامعه زخمی را در دستورکار قرار داد. این زخم اگرچه تازه نیست اما متأسفانه سر باز کرده است. زخمی که از انباشت نادیده‌انگاری مردم آغاز شد، به سال‌ها بی‌توجهی به صدای آنها رسید و مشارکت‌های آنان را در انتخابات بی‌اثر کرد، تا تصمیم‌هایی گرفته شود که مردم در آن حضور نداشتند. فسادهای روزافزون و ناکارآمدی مدیران و مسئولان نیز وضعیت را بیش از پیش بدتر کرد. در نهایت نیز نادیده گرفتن مردم، خشم زائید و خشم، وقتی راهی عقلانی نیابد به خشونت بدل می‌شود. تورم، گرانی، فساد و البته تحریم اضلاع مربعی بودند

که اقتصاد را فرساینده کردند و لایه دیگری از این زخم را شکل دادند. تورم مزمن، کاهش قدرت خرید، بی‌ثباتی شغلی و مهاجرت گسترده نخبگان، آینده را از چشم جامعه و جوانان و زنان و مردان ربود. متأسفانه وقتی جوانان برای خود آینده‌ای نبینند و فرصت یک زندگی معمولی اما با کرامت از آنها گرفته شود، رادیکالیسم جذاب می‌شود و در این میان خطرپذیری نیز فضیلت جلوه می‌کند. در چنین شرایطی، دشمن نیز به میدان می‌آید و با هر فشاری که وارد می‌شود، بحران جدیدی را می‌آفریند تا دست به تسویه‌حساب بزند. و خب شد آنچه نباید می‌شد. آنچه در ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه رخ داد، همه را غافلگیر کرد. معترضان ابتدا یک سخن‌بیشتر نداشتند؛ وضعیت اقتصادی را سامان دهید. اما در یک جنگ نابرابر که با

چهل روز گذشت. چهل روز پر از غم و اندوه گذشت. از ۱۸ دی‌ماه که فراخوانی ضدمیهنی، اعتراضات آرام و مدنی مردم را به خشونت کشید، گذشت. چهل روز از پریز شدن گل‌هایی که پادشان نه‌فقط فقدان هزاران نفر را تداعی می‌کند بلکه زخمی عمیق را بر پیکر جامعه نشان می‌دهد، گذشت. زخمی که رئیس‌جمهور، مسعود پزشکیان نیز به آن اشاره کرد و گفت: «جامعه ما زخمی است و اگر درمان نشود، کل جامعه را گرفتار خواهد کرد». این جمله او از دیدگاه یک پزشک، دقیقاً توصیف وضعیت بالینی یک جامعه ملتهب است. جامعه‌ای که بافتش پاره شده، اعصابش عریان است و کوچک‌ترین تماسی که با درد برقرار می‌شود را پاسخ می‌دهد. ایران امروز دقیقاً چنین تصویر و وضعیتی دارد؛

شناسه آگهی: ۲۱۲۶۱۵۶



فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
همزمان با آرز یابی کیفی

معاونت فنی و اداری
مرکز توجیه

احداث نیروگاه خورشیدی (پنل خورشیدی) جهت
ساختمانهای ستادی گمرک جمهوری اسلامی ایران

گمرک جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد نسبت به انجام احداث
نیروگاه خورشیدی (پنل خورشیدی) جهت ساختمانهای ستادی
گمرک جمهوری اسلامی ایران، از مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
همزمان با آرز یابی کیفی اقدام نماید

اداره کل توسعه و تجهیز گمرک جمهوری اسلامی ایران
اداره امور قراردادهای مناقصات

م الف ۴۳۰۳

رجوع به صفحه ۵

پارلمان

رشد پلکانی حقوق‌ها

افزایش حقوق برای سال آینده
۲۱ تا ۴۳ درصد تعیین شد



گروه سیاسی: نمایندگان مجلس روز گذشته در جریان بررسی جزئیات لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ تکلیف افزایش حقوق سال آینده را مشخص کردند. به گفته مجتبی یوسفی، سخنگوی کمیسیون تلفیق بودجه، حقوق کارکنان و بازنشستگان به‌صورت پلکانی معکوس و در بازه ۲۱ تا ۴۳ درصد افزایش می‌یابد. در همین چارچوب، حداقل مبلغ درج شده در حکم کارگزینی ماهانه حقوق‌بگیران نیز ۱۸۷ میلیون ریال تعیین شد تا دریافتی اقشار کم‌درآمد بیش از سایر گروه‌ها رشد کند. آنان همچنین سقف پرداخت‌ها و پاداش‌ها برای گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر و مستمری مددجویان و والدین شهدا را تصویب کردند تا چارچوبی روشن برای پرداختی‌ها در سال آینده ایجاد شود.

براساس مصوبه مجلس، افزایش ضریب ریالی حقوق و مزایای مستمر برای گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر، بازنشستگان، وظیفه‌بگیران و مشترکان صندوق‌های بازنشستگی کشوری و لشکری، به‌طور متوسط ۲۰ درصد خواهد بود. این افزایش شامل شاغلان مشمول و غیرمشمول قانون مدیریت خدمات کشوری می‌شود اما مشمولان قانون کار موضوع ماده ۷۶ این قانون از آن مستثنا هستند.

نکته مهم این است که درصدا افزایش حقوق به‌صورت پلکانی معکوس اعمال می‌شود؛ یعنی حقوق پایین‌تر افزایش بیشتری دریافت می‌کند. برای مثال، گروه‌های حقوق‌بگیر کم‌درآمد نزدیک به سقف ۴۳ درصد افزایش خواهند داشت، درحالی که کارکنان با حقوق بالاتر افزایش حدود ۲۱ درصد خواهند داشت.

در بخش مزایا، نمایندگان مجلس امتیاز فوق‌العاده خاص برای مشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری را ۴۴۰۰ امتیاز تعیین کردند و ۹۰ درصد معادل ریالی آن نیز به تصویب رسید. همچنین کمک‌هزینه عائله‌مندی و حق اولاد به‌ترتیب ۳۶۲۵ و ۲۹۶۷ امتیاز تصویب شد تا خانواده‌های کارکنان و بازنشستگان حمایت بیشتری دریافت کنند.

حقوق سربازان وظیفه نیز در سال ۱۴۰۵ افزایش یافت؛ براساس مصوبه مجلس، حقوق سربازان مجرد و متأهل هر دو ۲۰ درصد رشد خواهد داشت و برای مناطق عملیاتی نیز همین میزان اعمال می‌شود. حداقل حقوق بازنشستگان و وظیفه‌بگیران ۱۶۸ میلیون ریال تعیین شده تا کف پرداختی این گروه‌ها متناسب با سیاست حمایتی جدید افزایش یابد.

در بخش دیگر، نمایندگان مجلس سقف پاداش پایان خدمت بازنشستگان را ۷۵۰۰ میلیون ریال تعیین کردند. همچنین سقف نسبت خالص پرداختی متوسط ماهانه حقوق و مزایای مستمر و غیرمستمر برای تمامی گروه‌های حقوق‌بگیر(به‌جز قضات، اعضای هیأت علمی و موارد خاص ذکر شده در قانون بودجه ۱۴۰۴) ۵.۷ برابر حداقل حکم کارگزینی و قرارداد ماهانه تعیین شد تا فاصله میان دریافتی‌ها کنترل و از نوسان‌های غیرمنطقی در پرداخت‌ها جلوگیری شود. یکی از مهم‌ترین مصوبات حمایتی مجلس، افزایش ۵۰درصدی مستمری مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی کشور همچنین والدین شهدا بود. این تصمیم در راستای تقویت حمایت‌های اجتماعی و کاهش فشار معیشتی بر اقشار آسیب‌پذیر اتخاذ شده است. به این ترتیب، مصوبات بودجه ۱۴۰۵ چارچوب مشخصی برای حداقل و حداکثر پرداخت‌ها، مزایا، پاداش پایان خدمت و مستمری‌ها ارائه و میزان رشد حقوق و مزایا برای گروه‌های مختلف را به‌صورت شفاف تعیین می‌کنند. این تصمیمات نشان می‌دهد که قانون‌گذاران در کنار رشد کلی حقوق، تلاش کرده‌اند، فاصله پرداخت‌ها را کاهش و حمایت از حقوق پایین‌تر را اولویت قرار دهند.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

مرز اعتراض و اغتشاش کجاست؟

یکی از مسئولان معاونت حقوقی ریاست جمهوری می‌گوید:

اغتشاش وقتی معنا دارد که قانونی مربوط به اعتراض باشد و رعایت نشود

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اخلاص به مبانی اسلام وارد نمی‌کند». به گفته عباسی اگر اصل اعتراض به رسمیت شناخته شده است باید سازوکار قانونی آن نیز مشخص شود تا شهروندان بدانند از چه طریقی می‌توانند، دیدگاه‌های خود را بیان کنند. او در همین زمینه گفت: «ما هنوز قانونی برای اعتراضات خیابانی در معابر عمومی نداریم. در نشریات، صداوسیما و تشکلهای مردم‌نهاد قانون وجود دارد، درباره نشریات قانون مطبوعات را داریم. در صداوسیما قانون خاصی برای آزادی بیان نداریم، تشکلهای مردم‌نهاد هم آئین‌نامه دارند. اما درباره اعتراض در خیابان و شعار دادن قانونی وضع نکرده‌ایم. به‌تازگی مجلس پس از سال‌ها کلیات طرحی را تصویب کرده و در حال بررسی جزئیات آن است و ماده به ماده جلو می‌رود. تازه یادمان افتاده که باید این قانون را تصویب می‌کردیم».

نمی‌توان همین جوری از دیگران خسارت گرفت

بخش دیگری از سخنان عباسی به موضوع مطالبه خسارت از معترضان اختصاص داشت. او با بیان اینکه جبران خسارت شرایط و ارکان مشخصی در حقوق دارد، تأکید کرد: «نمی‌شود همین‌طور از معترضان چون آمده‌اند در خیابان، خسارت گرفت.» وی با طرح این پرسش که «مگر این معترضان همه‌شان سنگ زده‌اند یا آتش زده‌اند؟» توضیح داد که برای مطالبه خسارت باید رابطه مستقیم میان فرد و زیان واردشده، اثبات شود. به گفته او «آن کسی که سنگ زده و خسارتی وارد کرده، آن فرد... دقیق اینها باید مشخص شود»، عباسی تصریح کرد که مسئولیت مدنی نیازمند رسیدگی قضایی و ارائه ادله است و افزود: «هر کسی اگر این کار را کرده و دیده شده، اثبات شده، اقرار کرده، از او می‌شود خسارت گرفت، نه اینکه هر کسی در خیابان بوده و شعار داده، بگوییم کل خسارت اینجا را تو باید بدهی». او تأکید کرد: «به‌صورت کلی نمی‌توان گفت هر معترضی باید خسارت بدهد».

معاون قانون اساسی معاونت حقوقی ریاست جمهوری در پایان تأکید کرد که برای روشن شدن مرز اعتراض و رفتار

رئیس، روز به‌روز رابطه ایران با غرب بدتر شد تا جایی که اروپا بیشترین رفتار ضدایرانی را از خود بروز داد. باید روابط را دوباره برگردانیم. باید با اعتمادسازی براساس منافع ملی، آغاز کنیم. ما باید سرمایه‌ها و سرمایه‌دارها را به ایران بکشانیم. در تمامی اعتراضات سالیان اخیر، از دی‌ماه ۹۶ تا دی‌ماه ۱۴۰۴ معیشت و اقتصاد، مخرج‌مشترک تمام افرادی بود که به خیابان آمده و اعتراض کرده بودند. باید اقتصاد را از این وضعیت فلاکت‌آمیز خارج کنیم. نسخه‌های دستوری، چشم به چین یا روسیه برای ما در این سال‌ها آورده مالی نداشتند. مسا می‌توانیم با چین و روسیه پیمان‌های نظامی و سیاسی داشته باشیم و حتی مراودات اقتصادی اما نباید چشم‌بازار دنیا را بر روی ایران بیندیم. از آن‌سو باید صدای مخالف و معترض را شنید. باید برای اعتراضات رادحل پیدا و فساد را ریشه‌کن کرد. فساد نه در بین مردم که در میان آقا‌زادگان و ذی‌نفعان حکومت است. آن کارگر و کارآفرین و تولیدکننده‌ای که به هیچ کجا وصل نیستند که فاسد نیستند اما تاوان فساد دیگران را آنها باید بدهند. نکته بعدی این است که باید صداوسیما خانه‌تکانی شود. ما نیازمند صداوسیما ملی هستیم. هزاران بار این گفته شده و هیچ‌کس آن را نه جدی گرفته و نه درصدد آن برآمدند تا صداوسیما را به‌جای آنکه به یک نیروی سیاسی بدهند به نیروهای حرفه‌ای بدهند که به ایران و آینده ایران می‌اندیشند، نه این جناح و آن یکی. همچنین باید انحصار را از صداوسیما گرفت و تلویزیون‌های بخش خصوصی را راه‌اندازی کرد تا افکار و عقاید مختلف تریون داخلی داشته باشند. مسئله بعدی؛ ما نیازمند آزادی رسانه‌ها و تشکلهای صنفی هستیم تا امکان اثرگذاری واقعی بر مردم را فراهم کنند. روایت ملی مشترک باید بسا دعوت از روزنامه‌نگاران، اساتید دانشگاهی، مراجع فکری و هنرمندان بازسازی شود تا هیچ ایرانی از حمله خارجی سود نینند و در سطح خرد، مهارت گفت‌وگو، تحمل مخالفت و تفکر انتقادی باید تقویت شود؛ جامعه‌ای که فقط فریاد می‌زند، نمی‌تواند جراحی کند.

زخم جامعه ایران یک‌شبه ایجاد نشده و یک‌شبه هم درمان نمی‌شود اما نادیده گرفتن آن خطرناک‌تر از هر تهدید خارجی

مجرمانه، لازم است قانون شفاف و دقیقی درباره برگزاری تجمعات تصویب شود تا هم حق مردم برای بیان اعتراض محفوظ بماند و هم در صورت وقوع جرم، برخورد قانونی براساس ادله و مستندات انجام گیرد.

از سوگ ملی تا ضرورت اصلاح بنیادین

حزب اتحاد ملت ایران هم روز گذشته با صدور بیانیه‌ای نگرانی‌های عمیق خود درباره نحوه برخورد با اعتراضات اخیر را بیان کرد. در بیانیه این حزب آمده است که قریب ۴۰ روز از بحران اجتماعی-امنیتی بی‌سابقه و باورناپذیر کشور می‌گذرد؛ بحرانی که پیامد سال‌ها سوء حکمرانی و در آخرین حلقه، ناسپاسی نسبت به انسجام ملی در جریان جنگ ۱۲ روزه بوده و آن نسیم فرصت را به توفان خشم تبدیل کرده است. این توفان در ناآرامی‌های دی‌ماه ۱۴۰۴ به فاجعه بی‌سابقه جان باختن چند هزار ایرانی، عمدتاً جوان، و به سوگ نشستن هزاران خانواده انجامید و روزهای بسیار سیاهی را در تاریخ معاصر کشور رقم زد.

حزب اتحاد ملت ایران تأکید کرده که در آستانه چهلمین روز جان‌باختن این عزیزان، یاد آنها و همراهی با خانواده‌های داغدار، سوگی ملی است که جز با روشن شدن حقیقت و پاسخ درخور به دادخواهی ستم‌دیدگان التیام نمی‌یابد.

حزب اتحاد ملت ایران ایسن بحران را محصول خطاهای راهبردی مستمر و فاحش حکمرانی می‌داند، از جمله حذف نیروی سیاسی میانه که قادر به نمایندگی اعتراضات مردم باشد. حذف این نیرو نتیجه هم‌افزایی تدروهای داخلی و براندازان در یک پیمان نا نوشته است.

یکی از اقدامات فوری و ضروری در این مسیر، آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان و محصورین سیاسی است که دست به خشونت نزده‌اند. بیانیه در پایان بر کنار گذاشتن نگاه امنیتی به احزاب و گروه‌های سیاسی و مدنی، به رسمیت شناختن گروه‌های ملترزم به منافع ملی و خشونت‌پرهیز و فراهم کردن زمینه فعالیت قانونی آنها تأکید می‌کند. این اقدامات می‌تواند، شکاف ناشی از دوقطبی‌های خسارت‌بار را ترمیم کرده و ظرفیت گفت‌وگو و اصلاح را افزایش دهد.

است. پزشکیان درست می‌گوید که زخم را باید درمان کرد اما درمان هزینه دارد؛ هزینه شجاعت سیاسی، هزینه تغییر واقعی و هزینه شنیدن صدای کسانی که سال‌ها نادیده گرفته شدند. اگر این هزینه پرداخت نشود، زخم به گفته رئیس‌جمهوری فراگیر خواهد شد و کل جامعه را در بر خواهد گرفت. تجربه نشان داده که در هر اعتراض، تعداد معترضان بیشتر از قبل می‌شود و دامنه نارضایتی گسترده‌تر. این روند هشدار می‌دهد که نباید زخم را به‌حال خود رها کرد چراکه ممکن است روزی عفونت دیگر قابل مهار نباشد. عفونت اجتماعی یعنی بی‌اعتمادی فراگیر، یعنی شکاف دولت و ملت، یعنی نسلی که امیدش را از دست داده و به‌جای اصلاح، به دخالت خارجی چشم می‌دوزد. خطر پیش از هر زمان دیگری جدی است اما در دل همین خطر، یک سرمایه بزرگ نهفته است. مردم ایران بارها نشان داده‌اند که پای ایران ایستاده‌اند. ایران‌دوستی و وطن‌پرستی، مهم‌ترین سرمایه‌ای است که باید از آن پاسداری کرد؛ سرمایه‌ای که اگر با اعتماد، عدالت و مشارکت واقعی تقویت شود، می‌تواند نیرویی برای ترمیم زخم‌ها و بازسازی پیوندهای ازهم‌گسیخته باشد. این سرمایه ملی همان چیزی است که می‌تواند، جامعه زخمی را از مسیر ناامنی به مسیر درمان و بازسازی هدایت کند.

خوشبختانه این مسئله از نگاه دولت دور نماند. بیش از ۸۰ درصد کشته‌شدگان دی‌ماه شهید قلمداد شدند و دولت در اعلام اسامی خط‌کشی نکرد که معترض و غیرمعترض کیست. همه را جان و جوان این سرزمین خواند و سوگواری چهلمین روزشان را نه‌تنها به رسمیت شناخت که خود را عزادار آنها دانست. این رویکرد، هرچند آغاز راه است اما می‌تواند به نشانه‌ای همدلانه بدل شود؛ نشانه‌ای از آنکه خون ریخته شده بی‌ثمر نخواهد ماند و یساد این جوانان، چراغی برای بازسازی اعتماد و پیوند دوباره ملت و دولت خواهد بود. این رسمیت‌بخشی، اگر ادامه یابد و با اصلاحات واقعی همراه شود، می‌تواند نویدبخش آینده‌ای باشد که در آن زخم‌ها درمان شوند و ایران دوباره بر پای خود بایستد؛ نه زخمی بلکه مقاوم، متحد و امیدوار، باشد که چنین شود.

تن زخمی وطن

در این بستر، خطرناک‌ترین نشانه عفونت زخم پدیدار شد. دشمن در میان مردم رسوخ کرد. از رسانه‌های جنگ‌طلبی چون ایران اینترنشنال و منوتو، دیدگاه و نظرش را بر مردمی که از صداوسیما رویگردان شده بودند و به سراغ صدای جدید و اخبار واقعی بودند، غالب کرد تا جامعه را به این‌سو بکشاند که سیستم سیاسی ایران اصلاح‌پذیر نیست و باید به سراغ جنگ رفت. و‌الاسفا به روزگاری که جنگ و مداخله نظامی راهی برای عبور از بحران تلقی شود. اما جنگ‌طلبان بخشی از جامعه را به این نقطه رساندند که دفاع از تجاوز خارجی را به‌عنوان راه‌حل ببینند! این نه از سر وطن‌روشی آن دسته از مردم ایران بلکه از یأس عمیق است. اما یأس، تحلیل سیاسی نیست؛ واکنش عصبی است. تجربه عراق و سوریه و لیبی و دیگر کشورها نشان داده که چنین آمیدی به نیروی بیرونی، جز فروپاشی و هزینه انسانی، چیزی به‌بار نمی‌آورد. اساساً در تاریخ ایران در کدام دوره بود که نیروی خارجی بیاید و مردم را قتل‌عام نکند؟

حالا رئیس‌جمهوری به‌درستی از درمان این زخم سخن گفته است که اگر زخم درمان نشود، کل جامعه را گرفتار خواهد کرد. اما درمان با شعار ممکن نیست. بازسازی اعتماد عمومی با وعده ممکن نیست. باید راه‌های گذشته را کنار گذاشت که اگر قرار بود جواب بدهند تا الان داده بودند. اولین قدم درمان، پذیرش زخم و بیماری است. قدم بعدی آن با شفافیت و پاسخگویی آغاز می‌شود.

معیشت باید اولویت اول کشور باشد؛ هیچ پروژه ایدئولوژیکی جای ثبات اقتصادی را نمی‌گیرد. معیشت زمانی جان می‌گیرد که بتوان سرمایه جذب کرد. سرمایه زمانی به کشور می‌آید که ثبات اقتصادی وجود داشته باشد. ما نیازمند به بهبود رابطه با جهان غرب هستیم. از آغاز دوره ریاست‌جمهوری مرحوم سیدابراهیم

ترامپ علیه مالکی

خواب آمریکا برای نخست‌وزیری عراق

گروه بین‌الملل: یک منبع عراقی روز دوشنبه در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی «العربی» از تهدید واشنگتن برای اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه عراق در صورت اصرار چارچوب هماهنگی شیعیان بر نامزدی نوری المالکی برای پست نخست‌وزیری خبر داد؛ تهدیدی که نشان‌دهنده ورود ایالات متحده به مرحله‌ای جدید از فشار سیاسی و اقتصادی بر بغداد در بحبوحه بن‌بست سیاسی این کشور است. همزمان، دونالد ترامپ نیز با اشاره به روند انتخاب نخست‌وزیر عراق اعلام کرد که واشنگتن این موضوع را به دقت بررسی می‌کند و گزینه‌هایی در اختیار دارد. او پیش‌تر در پیامی در شبکه «تروث» بازگشت المالکی به نخست‌وزیری را امری «غیرقابل قبول» توصیف کرده و عملکرد دولت پیشین او را عامل «فقر و هرج و مرج» در عراق دانسته بود.

در داخل عراق نیز بحث‌ها درباره نامزد نخست‌وزیری ادامه دارد. نسیم عبدالله، عضو دفتر سیاسی حزب اقتدار که بخشی از چارچوب هماهنگی شیعیان محسوب می‌شود از برگزاری نشست‌ها و گفت‌وگوها در درون این بلوک سیاسی برای تعیین نامزد جدید خبر داد و تأکید کرد که نیروهای حاضر در چارچوب، چالش‌های داخلی کنسور و ضرورت دستیابی به اجماع ملی را

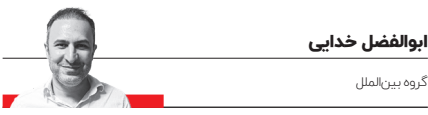
در نظر خواهند گرفت تا تصمیمی واحد اتخاذ شود. به گفته او، اختلاف‌نظرها در این زمینه همچنان ادامه دارد و تلاش می‌شود روند انتخاب نامزد نخست‌وزیری از مسیر توافق درون‌گروهی پیش برود. یک منبع دیگر در چارچوب هماهنگی نیز اعلام کرد که برخی رهبران این بلوک، به‌ویژه کسانی که نسبت به نامزدی المالکی تردید دارند، جلسات مشورتی با دیگر رهبران سیاسی برگزار کرده‌اند تا دیدگاه‌ها درباره ادامه نامزدی وی را هماهنگ کنند. این منبع افزود که با وجود این تردیدها، نتایج اولیه نشان می‌دهد، المالکی همچنان بر ادامه نامزدی خود اصرار دارد و از تصمیم خود عقب‌نشینی نکرده است. همچنین برخی جناح‌ها معتقدند که حجم بحران‌های انباشته شده در عراق و فشارهای خارجی می‌تواند به واکنش‌های شدید مردمی علیه کل روند سیاسی منجر شود و همین امر ضرورت انتخاب گزینه‌ای مورد اجماع‌تر را دوچندان می‌کند.

در همین چارچوب، احتمال بررسی نامزدهای جایگزین از میان فهرست‌های پیشین نیز مطرح شده و تصمیم نهایی به چارچوب هماهنگی واگذار شده است. با این حال، یک منبع نزدیک به المالکی هرگونه شایعه درباره انصراف او را رد و تأکید کرده که وی مصمم است به رقابت برای نخست‌وزیری ادامه دهد.

دیپلماسی

راه خروج

مذاکرات فنی و عمیق سیدعباس عراقچی و رافائل گروسی در ژنو پیش از مذاکرات ایران و آمریکا بیانگر آن است که ایران تلاش دارد تا مذاکرات را به نتیجه برساند



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

در آستانه دور تازه‌ای از مذاکرات غیرمستقیم ایران و ایالات متحده، سفر سیدعباس عراقچی به ژنو و دیدار او با رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بار دیگر پرونده هسته‌ای ایران را در مرکز ثقل دیپلماسی بین‌المللی قرار داده است. وزیر امور خارجه پیش از سفر به ژنو در خبری مهم اعلام کرد که با ابتکارانی واقعی به ژنو آمده است. این دیدار، که همزمان با آماده‌سازی برای گفت‌وگوهای حساس ژنو انجام شد، از منظر دیپلماتیک صرفاً یک ملاقات فنی نبود بلکه نشانه‌ای از تلاش تهران برای مدیریت همزمان سه سطح از بحران بود. سطح فنی با آژانس، سطح سیاسی با واشنگتن و سطح ژئوپلیتیک

با بازیگران منطقه‌ای مخالف توافق. در این میان مسئله هسته‌ای همچنان هسته سخت این معادله پیچیده باقی مانده و تعیین‌کننده جهت‌گیری کل فرآیند دیپلماسی است.

توضیح وزارت خارجه درباره این دیدار بر «موضوعات فنی مرتبط با همکاری‌های ایران و آژانس در چارچوب تعهدات پادمانی و وفق قانون مجلس» تأکید داشت؛ عبارتی که در ظاهر فنی اما در واقع حامل پیام سیاسی مهمی است. تهران تلاش می‌کند، نشان دهد هرگونه همکاری با آژانس در چارچوب محدودیت‌های داخلی و قانونی تعریف می‌شود و این پیام به‌طور ضمنی به طرف آمریکایی منتقل می‌شود که فضای مانور ایران

در پرونده هسته‌ای محدود به ملاحظات داخلی است. همزمان، طرح «نقطه‌نظرات فنی ایران درباره مذاکرات هسته‌ای غیرمستقیم» نشان می‌دهد که تهران آژانس را نه‌تنها یک نهاد نظارتی بلکه بازیگری مکمل در مدیریت روند مذاکرات می‌بیند؛ بازیگری که می‌تواند میان زبان فنی و زبان سیاسی نقش واسطه را ایفا کند. اظهارات گروسی پس از این دیدار نیز از همین چارچوب دوگانه حکایت دارد. او از «مذاکرات فنی عمیق» سخن گفت و همزمان بر ضرورت وجود «راه خروج» برای رسیدن به توافق تأکید کرد. این جمله در واقع اعترافی ضمنی به این واقعیت است که برنامه هسته‌ای ایران به مرحله‌ای رسیده که نه می‌توان آن را به‌سادگی متوقف کرد و نه بدون ارائه مشق‌های واقعی می‌توان، تهران را به محدودسازی پایدار آن متقاعد کرد. گروسی همچنین بر حق ایران برای ادامه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای تأکید کرد؛ موضعی که اگرچه مطابق حقوق بین‌الملل و NPT است اما در فضای سیاسی غرب همواره با حساسیت و مناقشه همراه بوده است. این تأکید نشان می‌دهد که حتی در سطح فنی نیز اجماع

روشنی درباره خطوط قرمز برنامه هسته‌ای ایران وجود ندارد.

در همین جهت، سخنان علی لاریجانی درباره پذیرش بازرسی‌های آژانس حتی در تأسیسات زیرزمینی یا کوهستانی، نشانه‌ای از تلاش تهران برای ارسال پیام اعتمادساز به غرب است. این موضع، به‌ویژه در شرایطی که برخی از این تأسیسات هدف حملات آمریکا و اسرائیل قرار گرفته‌اند، حامل پیام دوگانه‌ای است: از یک‌سو تأکید بر شفافیت و از سوی دیگر تأکید بر تداوم و بازسازی توان هسته‌ای حتی در شرایط فشار. چنین پیامی نشان می‌دهد که ایران تلاش می‌کند در عین پذیرش نظارت، اصل استمرار ظرفیت غنی‌سازی را غیرقابل مذاکره جلوه دهد. ترکیب تیم مذاکره‌کننده ایران در ژنو نیز بیانگر تغییر رویکرد از مرحله ارزیابی به مرحله چانه‌زنی واقعی است. حضور کارشناسان هسته‌ای، اقتصادی و حقوقی در کنار دیپلمات‌ها نشان می‌دهد که مذاکرات از سطح کلیات سیاسی عبور کرده و وارد فاز بحث‌های فنی درباره



جزئیات توافق احتمالی شده است. این تغییر نشان‌دهنده آن است که مسئله هسته‌ای دیگر صرفاً یک پرونده امنیتی نیست بلکه به محور پیوند اقتصاد، تحریم‌ها و سرمایه‌گذاری تبدیل شده است. سخنان اسماعیل بقایی درباره اهمیت رفع تحریم‌ها و حضور تیم کامل کارشناسی، نشان می‌دهد که تهران تلاش دارد میان محدودیت‌های هسته‌ای و دستاوردهای اقتصادی یک رابطه مستقیم برقرار کند.

در سوی مقابل، اظهارات مارکو رویو درباره دشواری دستیابی به توافق و در عین حال ترجیح راه‌حل دیپلماتیک از سوی دولت آمریکا، نشان‌دهنده دوگانگی در رویکرد واشنگتن است. آمریکا از یک‌سو به‌دنبال مهار برنامه هسته‌ای ایران است و از سوی دیگر می‌داند که بدون توافق، گزینه‌های جایگزین پر هزینه و پریسک خواهند بود. همین دوگانگی باعث شده که مذاکرات بیش از آنکه به سمت یک توافق جامع حرکت کند به سمت یک توافق مدیریت بحران یا «توافق حداقلی» سوق پیدا کند؛ توافقی که هدف آن کنترل سطح غنی‌سازی و نظارت بر فعالیت‌هاست نه برچیدن کامل زیرساخت‌ها.

این منبع همچنین اعلام کرد که در روز دوشنبه هیچ نشست رسمی برای تصمیم‌گیری نهایی در این باره برگزار نشده و برخی اخبار منتشر شده را بخشی از یک دستور کار سیاسی دانست.

در مقابل فشارهای آمریکا، فواد حسین، وزیر امور خارجه عراق، تأکید کرده که تصمیم درباره انتصاب مجدد المالکی موضوعی داخلی است و بغداد پیام‌های واشنگتن را جدی نمی‌گیرد. با این حال، مخالفت علنی و تهاجمی دولت ترامپ با بازگشت المالکی به قدرت به‌عنوان نشانه‌ای از تغییر جهت جدی در سیاست خارجی آمریکا ارزیابی می‌شود؛ تغییری که رویکرد معامله‌محور «اول آمریکا» را با کارزار تازه‌ای از «فشار حداکثری» علیه نفوذ ایران در عراق ترکیب می‌کند.

از نگاه واشنگتن، مخالفت با المالکی صرفاً مخالفت با یک

در این میان، ورود مؤلفه‌های اقتصادی به متن مذاکرات، آنگونه که حمید قنبری مطرح کرده، نشان‌دهنده تلاش تهران برای تغییر ماهیت مذاکرات هسته‌ای به یک بسته جامع همکاری اقتصادی است. طرح منافع مشترک در حوزه نفت و گاز، سرمایه‌گذاری‌های معدنی و حتی خرید هواپیما نشان می‌دهد که ایران تلاش دارد، توافق هسته‌ای را به یک توافق اقتصادی-سیاسی تبدیل کند تا هزینه خروج آمریکا از آن در آینده افزایش یابد. تأکید بر آزادسازی واقعی منابع مسدودشده نیز نشان می‌دهد که تجربه توافقات گذشته، که منافع اقتصادی آن برای ایران محدود و ناپایدار بود، همچنان در ذهن تصمیم‌گیران ایرانی زنده است.

با این حال، پرونده هسته‌ای همچنان نقطه کانونی تنش‌ها باقی مانده است. اظهارات بنیامین نتانیاهو درباره ضرورت برچیدن کامل زیرساخت‌های هسته‌ای ایران، خروج مواد غنی شده، توقف برنامه موشکی و مهار نفوذ منطقه‌ای، نشان‌دهنده فاصله عمیق میان نگاه

اسرائیل و رویکرد احتمالی آمریکا در مذاکرات است. برای اسرائیل، برنامه هسته‌ای ایران یک تهدید وجودی تلقی می‌شود بنابراین هر توافقی که صرفاً به محدودسازی غنی‌سازی بسنده کند از نظر تل‌آویو ناکافی است. این موضع، فشار مضاعفی بر واشنگتن وارد می‌کند و می‌تواند، روند مذاکرات را پیچیده‌تر کند.

در مجموع، مذاکرات ژنو در شرایطی آغاز می‌شود که مسئله هسته‌ای ایران به یک گره چندلایه تبدیل شده است: گرهی که در آن ملاحظات فنی آژانس، فشارهای سیاسی آمریکا، نگرانی‌های امنیتی اسرائیل و محاسبات داخلی ایران به‌هم تنیده شده‌اند. تهران تلاش می‌کند با ارائه تصویر یک بازیگر

مسئول و شفاف، حق غنی‌سازی را تثبیت کند و در مقابل، امتیازات اقتصادی و رفع تحریم‌ها را به‌دست آورد. واشنگتن نیز در تلاش است میان فشار متحدان منطقه‌ای، ملاحظات داخلی و ضرورت جلوگیری از تشدید بحران تعادل برقرار کند.

در چنین فضایی، هرچند نشانه‌هایی از پیشرفت در مذاکرات دیده می‌شود اما مسئله هسته‌ای همچنان تعیین‌کننده اصلی سرنوشت گفت‌وگوهاست. اگر این پرونده به چارچوبی پایدار و قابل راستی‌آزمایی برسد، می‌تواند مسیر تازه‌ای برای همکاری‌های اقتصادی و سیاسی باز کند؛ اما اگر اختلافات درباره ماهیت و دامنه برنامه هسته‌ای ایران حل‌نشده باقی بماند حتی گسترده‌ترین بسته‌های اقتصادی نیز نمی‌توانند از فروپاشی توافق جلوگیری کنند. ژنو، بیش از آنکه صحنه یک توافق تاریخی باشد، آزمونی است برای سنجش اینکه آیا دیپلماسی می‌تواند بر بی‌اعتمادی‌های عمیق و رقابت‌های ژئوپلیتیک غلبه کند یا پرونده هسته‌ای همچنان به‌عنوان پیچیده‌ترین بحران سیاست خارجی ایران و غرب باقی خواهد ماند.



چهره سیاسی نیست بلکه نوعی وتوی راهبردی با هدف جلوگیری از بازگشت عراق به مدار همسویی گسترده با تهران تلقی می‌شود. منطق این رویکرد بر سه محور اصلی استوار است: خاطره تاریخی ظهور داعش در دوره نخست‌وزیری المالکی، تلاش برای جدا کردن بغداد از نفوذ ایران و بهره‌گیری از آسیب‌پذیری اقتصادی عراق به‌ویژه وابستگی شدید آن به درآمدهای نفتی به‌عنوان اهرم فشار سیاسی و اقتصادی. در این چارچوب، تهدید به تحریم‌های اقتصادی می‌تواند، پیامدهای گسترده‌ای برای اقتصاد عراق داشته باشد و به تشدید فشار بر طبقه سیاسی این کشور منجر شود.

پیام اصلی ترامپ به نخبگان سیاسی عراق این است که دوران سیاست دوگانه، یعنی دریافت حمایت مالی و امنیتی از آمریکا در کنار تقویت نفوذ منطقه‌ای ایران به پایان رسیده است.

ادامه یادداشت روز

غنی‌سازی یا «حق غنی‌سازی»؟

با این حال مقامات آمریکایی همیشه گفته‌اند که برداشت آنها این است که ماده ۴ متضمن شناسایی حق ذاتی غنی‌سازی برای کشورها نیست و خود نیز هیچگاه چنین حقی را برای کشوری به‌رسمیت نشناخته‌اند. به عکس، آنها همیشه غنی‌سازی را یک تکنولوژی حساس دوماظوره که باید تحت کنترل سختگیرانه باشد، دانسته و تنها غنی‌سازی در کشورهای دوست (ژاپن، برزیل، آرژانتین، هلند و آلمان) را در عمل و تحت‌نظارت سختگیرانه توسط آژانس پذیرفته‌اند. لذا تاکنون موردی را سراغ نداریم که آمریکا به‌نحو حق غنی‌سازی را برای کشوری شناخته باشد.

از طرفی، تاکنون نه آمریکا و نه شورای امنیت، هیچگاه نفس حق غنی‌سازی را برای ایران نفی نکرده و خواستار توقف غنی‌سازی در ایران نشده‌اند. آمریکا از ۲۰۰۲ به این‌سو، همیشه مدعی بوده است که ایران به‌خاطر تخلف از موافقت‌نامه پادمان باید غنی‌سازی را با هدف اعتمادسازی تعلیق کند. شورای امنیت از قطعنامه ۱۶۹۶ (ژوئیه ۲۰۰۶) به‌بعد «تعلیق» غنی‌سازی را از ایران خواسته است. در توافق برجام نیز حق غنی‌سازی شناسایی نشده بلکه ادامه آن در ایران در عمل (دوفاکتو) و در سطح محدود پذیرفته شده است. درحالی که ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش از «اصلاح برجام» سخن می‌گفت، که طبعاً نمی‌توانست به‌معنی «غنی‌سازی صفر» باشد، او از فوریه ۲۰۲۵ تعبیر «غنی‌سازی صفر» را به‌کار برده که هم می‌تواند به‌معنی «تعلیق» باشد، هم «توقف».

به لحاظ نظری هیچ قاعده یا حکم حقوقی یا سازوکار و نهادی در ان‌بی‌تی، برای تعیین‌تکلیف وجود ندارد. تنها «نیت» یک کشور از غنی‌سازی و برداشت دیگران از «نیت» آن کشور، مبنای کار است. در برجام، بحث «نیت» کنار گذاشته شد و یک سال گریز هسته‌ای مبنای قرار گرفت. اکنون سوال این است که آیا تجربه توافق سعدآباد ۱۳۸۲ می‌تواند الگو باشد و ایران یک‌بار دیگر تعلیق غنی‌سازی را به‌عنوان «تدبیری داوطلبانه، موقت، غیرالزام‌آور از لحاظ حقوقی و برای اعتمادسازی» بپذیرد؟ اینکه به گفته آقای عراقچی در ۲۵ آبان «در حال حاضر هیچ غنی‌سازی در ایران انجام نمی‌شود»، آیا می‌تواند چنین تدبیری را تسهیل کند؟ آیا سیاست داخلی در ایران و آمریکا و افراطی‌های دو طرف چنین اجازه‌ای را می‌دهند؟ آیا اسرائیل و برخی دیگر در منطقه، دست از خرابکاری برمی‌دارند؟

ویترین: تازه‌های نشر

ریسک و موفقیت

نگاهی به کتاب **باید پای خودت تو بازی گیر باشه** نسیم نیکلاس طالب



نسیم نیکلاس طالب، نویسنده و تحلیل‌گر ریسک لبنانی-آمریکایی، سال ۲۰۰۷ با نظریهٔ «قوی سیاه» به شهرت رسید، به‌خصوص زمانی که پیش‌بینی‌هایش در کتاب «قوی سیاه: تأثیر امر بسیار غیرممکن» در بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ آمریکا به وقوع پیوست. این کتاب تاکنون به بیش از ۳۰ زبان ترجمه شده است و از سوی مجلهٔ «ساندی تایمز» به عنوان یکی از ۱۲ کتاب تأثیرگذار پس از جنگ جهانی دوم شناخته شد. طالب این کتاب را از سر درآوردن قوی سیاه در استرالیا برای اولین بار آغاز می‌کند. امری که برای هزاران سال محال پنداشته می‌شده با وقوعش احتمالاً بنیان‌های کهنی را نیز می‌لرزاند. او از این رهگذر به امر بسیار غیر قابل پیش‌بینی و استدلال‌ها و توجیهات کم‌مایه پیرامون آن می‌پردازد و جایگاه آن را در واقعیت بررسی می‌کند. کار طالب به آمار تصادفی، احتمال و عدم قطعیت مربوط می‌شود. ساندی تایمز کتاب «قوی سیاه» او را در سال ۲۰۰۷ یکی از ۱۲ کتاب تأثیرگذار پس از جنگ جهانی دوم نامید. او استاد چندین دانشگاه بوده و از سپتامبر سال ۲۰۰۸ به عنوان استاد ممتاز مهندسی ریسک در دانشکدهٔ مهندسی تاندون دانشگاه نیویورک مشغول به کار است و در دانشگاه‌های معتبر آمریکا از جمله دانشگاه وارتون پنسیلوانیا و پلی تکنیک نیویورک ریاضی تدریس می‌کند. طالب از سپتامبر سال ۲۰۱۴ سردیر مجلهٔ دانشگاهی «تجزیه و تحلیل ریسک و تصمیمات» بوده هم‌چنین در زمینهٔ امور مالی ریاضی فعالیت دارد و مدیر صندوق تأمین و معامله‌گر مشتقه است و به عنوان مشاور برای Univer-sa Investments کار می‌کند. طالب منتقد روش‌های مدیریت ریسک مورد استفاده در صنعت مالی است و از جامعه‌ای دفاع می‌کند که به آن «جامعهٔ قوی سیاه» می‌گوید، یعنی جامعه‌ای که می‌تواند در برابر حوادثی که پیش‌بینی آن‌ها دشوار است مقاومت کند. طالب در طول دورهٔ فعالیت خود نظرات چالش برانگیز زیادی ارائه داده است. او خواستار لغو جایزهٔ نوبل اقتصاد شد و مدعی شد، خسارات ناشی از تئوری اقتصادی می‌تواند ویران‌کننده باشد. نسیم طالب هوادار سیاست خارجی غیرمداخله‌گر است. او هم‌چنین در مقاله‌ای پس از پاندمی کرونا اظهار داشت، سیاست‌مداران و متخصصان پزشکی ویروس کووید را به اندازهٔ کافی جدی نمی‌گیرند.

نسیم نیکلاس طالب کتاب «باید پای خودت تو بازی گیر باشه: ناقرینگی‌های پنهان شده تو زندگی روزمره» را در سال ۲۰۱۸ منتشر کرد. کتابی که مانند سایر آثار نسیم طالب حرف نویی برای گفتن دارد و خواننده را به چالش می‌کشد. این کتاب با ارائهٔ ترکیبی از مباحث کاربردی، داستان‌های فلسفی و تفاسیر علمی و تحلیلی در زمینهٔ مسائل تصادفی به عنوان راهنمایی عملی برای کسانی که به دنبال تغییر در زندگی خود هستند، به حساب می‌آید. «باید پای خودت تو بازی گیر باشه» پنجمین و آخرین کتاب از مجموعهٔ «اینسرتو / اینهام» است که اولین کتاب آن «فریفتهٔ تصادف» بود.

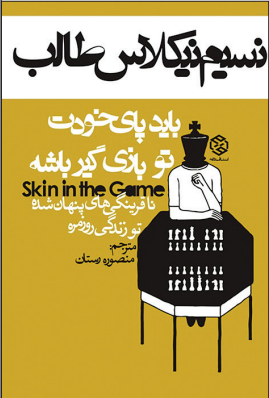
کسب «باید پای خودت تو بازی گیر باشه» هم‌زمان چهار موضوع را بررسی می‌کند: الف) اینهام و اعتبار دانش (هم عملی و هم علمی، با این فرض که این دو متفاوتند)، یا به‌شکلی بی‌ادبانه کشف و ردیابی چرندیات، ب) تهران در اموراتسانی یعنی انصاف، عدالت، مسئولیت و دوطرفه بودن، ج) مبادلهٔ اطلاعات در معاملات و د) عقلانیت در سیستم‌های پیچیده و در دنیای واقعی. اگر پای کسی گیر باشد، برایش واضح است که این چهار مقوله جدایی‌ناپذیرند. گیربودن پای خودت در بازی فقط برای انصاف، بازدهی تجاری و مدیریت ریسک لازم نیست بلکه برای درک جهان ضروری است. موضوع کتاب بر سر تقارن است، یعنی اگر کارها خوب پیش نرفت، در جریمه‌ها و حتی در ضرر

و زیان هم سهم داشته باشید. همین ایده، همهٔ مفاهیم کتاب را به هم مرتبط می‌کند. مفاهیمی مثل: انگیزه، خرید ماشین دست دوم، اخلاقیات، نظریهٔ قرارداد، آموزش (زندگی واقعی در مقابل محیط آکادمیک)، اصول کانتی، قدرت شهرداری، علم ریسک، ارتباط بین روشن‌فکرها و واقعیت، قابل اعتماد بودن بروکرات‌ها، عدالت اجتماعی احتمالی، نظریه اختیار، رفتار درست، چرندیات فروش‌ها و... .

طالب در این کتاب از نقش بنیادین ریسک‌پذیری در دستیابی به موفقیت‌های خیره‌کننده و بی‌بدیل گفته است. او برای اثبات ادعای خود شواهدی تاریخی نیز آورده است. طالب در کتاب «باید پای خودت تو بازی گیر باشه» تعریف جدیدی از معنای درک جهان، موفقیت در یک حرفه، مشارکت در یک جامعهٔ عادلانه و تأثیرگذاری بر دیگران را ارائه می‌کند و با استناد به نمونه‌هایی از حمورابی گرفته تا سنکا و آنتونس جانیت نشان می‌دهد تمایل به پذیرش ریسک، خود یک ویژگی اساسی قهرمانان و افراد موفق است و موجب شکوفایی مردم در همهٔ زمینه‌های زندگی می‌شود. در «باید پای خودت تو بازی گیر باشه» نویسنده مانند دیگر آثارش باورهای مشهور و قدمت‌داری که در مورد ارزشمندی افرادی که طرفدار مداخله‌های نظامی هستند، سرمایه‌گذاری‌های مالی انجام می‌دهند و باورهای مذهبی خاصی را تبلیغ می‌کنند به چالش کشیده است. از میان این بینش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

■ برای عدالت اجتماعی روی تقارن و به اشتراک گذاشتن ریسک متمرکز شوید. شما نمی‌توانید سود به دست آورید و ریسک را به دیگران انتقال دهید، همان‌گونه که بانکدارها و شرکت‌های بزرگ این کار را می‌کنند. شما نمی‌توانید بدون قبول مسئولیت ریسک‌های خودتان و پرداخت ضررهایتان ثروتمند شوید. لزوم داشتن پوست در بازی بهتر از هزاران قانون و ضابطه این عدم تقارن را حل خواهد کرد.

■ قوانین اخلاقی جهان شمول نیستند. شما جزو دسته‌ای بزرگ‌تر از خودتان اما هم‌زمان کوچک‌تر از کل بشریت هستید. عبارت «پوست در بازی / Skin in the game» که عنوان اصلی کتاب است، هم‌زمان که بتن اساسی مدیریت ریسک است، به طور غیرقابل باوری نوعی جهان‌بینی در همهٔ ابعاد زندگی نیز هست. «تقارن پوست در بازی» قانون ساده‌ای است که برای انصاف و عدالت ضروری و کارآمدترین اسلحهٔ شکار مهملات است. به خاطر داشته باشید هیچ زمانی به کسی که پوستش درگیر بازی نیست، نمی‌توان اعتماد کرد. بدون درگیر بودن پوست در بازی، احمق‌ها و کلاهبردارها منتفع می‌شوند و اشتباه‌های‌شان هیچ وقت به ضررشان تمام نخواهد شد. از نظر نسیم نیکولاس طالب پوست در بازی عمدتاً به عدالت، شرافت و فداکاری و همهٔ مسائلی که مربوط به هستی انسان‌هاست مرتبط است.



باید پای خودت تو بازی گیر باشه

نسیم نیکلاس طالب
ترجمهٔ منصوره رستان
انتشارات روزنه
۳۴۸ صفحه
۴۹۵۰۰۰ تومان

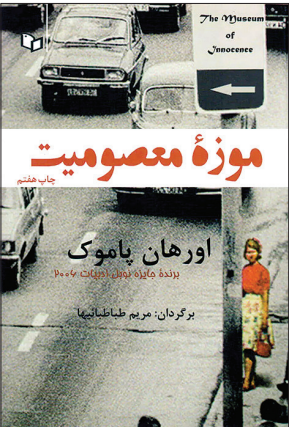
نوبلیست در نتفلیکس

اورهان پاموک در سریالی اقتباسی از موزهٔ معصومیت بازی کرده است

راضی است. «موزهٔ معصومیت» به عنوان یک مجموعه ۹ قسمتی ۱۳ فوریه در «نتفلیکس» پخش شد. این نخستین‌بار در دوران کاری پاموک ۷۳ ساله، رمان‌نویس مشهور ترکیه است که اثری از او به این شکل پخش می‌شود. کتاب‌های داستانی، خاطرات، مقالات و عکس‌های این نویسنده که در سال ۲۰۰۶ جایزهٔ نوبل ادبیات را دریافت کرد، به ده‌ها زبان ترجمه شده است.

پس از منتفی شدن نخستین اقتباس از رمان «موزهٔ معصومیت»، پاموک مذاکرات را با یک شرکت ترکی به نام «آی یایم» دربارهٔ مجموعه آغاز کرد. این بار، او فرآیند را با دقتی وسواس‌گونه که چندان هم بی‌شباهت به شخصیت اصلی رمانش به نظر نمی‌رسید، کنترل کرد. پاموک گفت درخواست پیش‌پرداختی نکرده و قبل از نهایی شدن فیلم‌نامه قراردادی را امضا نکرده تا اطمینان حاصل کند تهیه‌کننده آزادی عمل ناروایی با داستان نداشته باشد. او هم‌چنین اطمینان حاصل کرده که در تیتراژ نه تنها به کتابش بلکه به موزه‌اش که برخی صحنه‌ها در آن فیلم‌برداری شده است، اشاره شود. او این شرط را گذاشته که مهم نیست مجموعه چقدر موفق باشد، فصل دومی وجود نخواهد داشت بنابراین پایان داستان به همان شکل باقی می‌ماند.

در جریان تولید این مجموعه، او مکرراً با فیلم‌نامه‌نویس و رئیس شرکت تولید دیدار کرد، پیش‌نویس‌های هر قسمت را مرور کرد و تغییراتی را پیشنهاد داد. این شرکت هم‌چنین زینب گونای تان، کارگردان زن و مورد نظر پاموک را استخدام کرد. این مجموعه همچنین نقطه عطف دیگری در حرفه پاموک ایجاد کرد. پاموک در این مجموعه نخستین تجربه بازیگری خود را کسب کرد. او در چند صحنه، نقش خودش را بازی می‌کند که «کمال» ماجرای خود را برای او بازگو می‌کند.



انیمیشن

دختری که مروارید گریست

پنج سال تمام کار برای انیمیشن ۱۷ دقیقه‌ای نامزد اسکار

«فرآیند ما شُل و بداهه‌پردازانه نیست». با این حال، مجموعه‌ای از اشتباه‌ها جزئی جدایی‌ناپذیر از نتیجه نهایی شد؛ «اگر سروت نسنازید، کار بیش‌ازحد سفت‌وسخت می‌شود. وقتی یک اثر هنری زیادی فکرشده، زیادی ساختاربندی‌شده یا بیش‌ازحد تولیدشده باشد، حس می‌شود. ما سعی می‌کنیم جاهایی بگذاریم که آشوب بتواند نفوذ کند». در «دختری که مروارید گریست»، نخستین لحظه آشوب با آشوب جهانی همه‌گیری کووید از راه رسید. فیلمسازان مجبور شدند ماه‌ها جدا از هم کار کنند. لایوس می‌گوید: «من اول سرها را مجسمه‌سازی کردم و مَچیک روی بدن‌ها کار کرد. بعد از چند ماه، در یک کوچه به‌هم رسیدیم و آنقدر نزدیک ایستادیم که ببینیم چه از آب درآمد. مقیاس

فیلم‌های کوتاه انیمیشن نامزد اسکار ۲۰۲۴آمیزه‌ای از گذشته و حال، افسانه و واقعیت هستند و در این میان انیمیشن کوتاه «دختری که مروارید گریست»، یکی از شانس‌های بزرگ کسب جایزه آکادمی است. حدود ۱۵ سال پیش، کریس لایوس و ماچک شچریفوسکی، خالقان این انیمیشن به ایده‌ای برخوردند: پسری که پنهانی از دختر گریان داستان، مروارید جمع می‌کند. انگار شیره درخت افرا را جمع می‌کرد و در نهایت آنقدر پول به‌دست می‌آورد که می‌رود و در جایی دیگر بخت‌آش را می‌آزماید. یک دهه بعد، این ایده آرام‌آرام شکل گرفت و به مرحله بعدی تکامل خلافانه آنها در عروسک‌گردانی روی پرده رسید. شچریفوسکی توضیح می‌دهد: «شما با تصمیم ساخت یک فیلم عروسکی شروع نمی‌کنید؛ با نوشتن یک داستان شروع می‌کنید و بعد، به شکلی جادویی، شخصیت‌ها در ذهن‌تان زنده می‌شوند، نوعی عاملیت پیدا می‌کنند و خودشان شروع به حرف زدن می‌کنند. آنچه داستان به‌عنوان فرم دیده‌ت کرد، در واقع استاپ‌موشن بود، چون کاملاً به یک پیش‌متکی است؛ اینکه مخاطب را وادار کند به چیزی باور کند که هم فانتزی است و هم کاملاً ناممکن.»

داستان در دو خط زمانی موازی پیش می‌رود: یکی در آستانه قرن بیستم و پیش از جنگ جهانی اول، و دیگری چند دهه بعد. روایت نشان می‌دهد پسر جوان مرواریدجمع‌کن به چه مردی تبدیل شده است. مردی که این افسانه زیسته را برای نوه‌اش تعریف می‌کند. نوه به همان اندازه مسحور مرواریدی است که روی میز مجلل پدر بزرگ پیدا می‌کند، که خود او سال‌ها پیش با دیدن ششی که از شکاف دیوار به دامن فقیرانه‌اش غلتیده بود، مجذوب شده بود. شچریفوسکی می‌گوید: «یکی از ته‌های مرکزی به مناظره‌ای درباره ارزش برمی‌گردد: ارزش چیست و از کجا می‌آید؟ اسطوره‌ای که دور یک شیء می‌پیچد تا به‌نظر برسد غنا و اهمیت دارد». لایوس اضافه می‌کند: «ایمان هم در این میان دخیل است. بند انگشت یک قدیس بی‌قیمت است؛ بند انگشت آدم گمنامی که بی‌نام‌نشان مرده، بی‌ارزش. تفاوت این دو چیست؟ داستان زیست یک زندگی و ایمان کسانی که آن شیء را می‌پرستند. اینکه اشیاء تا چه حد بر حس ایمان و ارزش ما اثر می‌گذارند، برآیمان ایده جذابی بود».

پس از نگارش فیلمنامه، کارگردان‌ها ابتدا یک مونتاژ مرجع لایو-اکشن ساختند و بعد به استاپ‌موشن کوچ کردند. لایوس می‌گوید:





گزارش: سینمای جهان

مرگ در اتاق

رویترز از خودکشی کارگردان اسرائیلی خبر داد



داشت و برادرش او را پیدا کرده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که کودی‌هایی روی گردن و اندام‌های او دیده شده و قرص‌هایی نیز در اتاق پیدا شده بود، با این حال مقامات یونانی احتمال خودکشی را رد نمی‌کنند.

واکنش‌ها

سریال جاسوسی «تهران» به دلیل تصویر مغشوش و غیرواقعی و تش‌آميز از عملیات مخفی در ایران مورد توجه قرار گرفت. این سریال که توسط موشه زوندل ساخته و اولین بار در سال ۲۰۲۰ پخش شد، داستان یک مأمور موساد را دنبال می‌کند که مأموریت خطرناکی برای غیرفعال کردن سیستم‌های دفاع هسته‌ای ایران دارد و ناگهان خود را در تهران گرفتار می‌یابد. با این‌حال واکنش‌ها در دو سوی ماجرا نسبت به آن کاملاً متفاوت بوده است. بسیاری از کارشناسان، «تهران» را یک سریال ضدایرانی دانستند اما در سوی اسرائیلی نیز نقدهای جدی به سریال وارد شد چراکه آنها معتقد بودند در این سریال ایران و سیستم نظامی و امنیتی بسیار قدرتمند به تصویر کشیده شده‌اند یا برخی نیز معتقد بودند که سازندگان سریال در ساخت آن از برنامه‌های امنیتی ایران فریب خورده‌اند.

خودکشی یا مرگ؟

سخنگوی پلیس یونان، کانستانتینا دی‌موگلیدو، گفت که برادر خانم ادن به پلیس گفته است که خواهرش دارو مصرف می‌کرده و در گذشته بستری شده بود. او افزود که شواهد موجود در اتاق هتل خانم ادن نشان می‌دهد دخالت جنایی بعید است. برخی گزارش‌ها در رسانه‌های اسرائیلی مدعی شدند که پلیس یونان در حال بررسی ارتباط احتمالی درباره قتل است، اما شرکت تولیدی سریال این گزارش‌ها را قوی‌آرد و اعلام کرد: «شایعات مربوط به مرگ جنایی یا با پیش‌زمینه ملی صحیح نیست و بی‌اساس است. ما از رسانه‌ها و عموم مردم می‌خواهیم از انتشار فرضیات تأیید نشده خودداری کرده و مسئولانه و معقول رفتار کنند». دانسا ادن نیروی محرکه پشت چندین سریال مطرح بوده اما شهرت او بیشتر به‌خاطر سریال «تهران» بود که در ژوئن ۲۰۲۰ توسط اپل تی‌وی خریداری شد. این سریال در سه فصل ۸ قسمتی ساخته و پخش شده بود. این تهیه‌کننده اسرائیلی پیش از مرگش نیز در یونان مراحل تولید فصل چهارم را انجام می‌داد.



تقابل عشق شرقی و غربی

اورهان پاموک آرزو داشت، نقاش شود و پس از ترک دانشکده معماری به داستان‌نویسی روی آورد. همسرش مدیر یک بیمارستان است؛ او یک دختر از ازدواج اولش و یک نوه دختر دارد. رمان‌هایی از جمله «کتاب سیاه»، «نام من سرخ» و «برف» وجهه بین‌المللی او را افزایش داد. پاموک به طور گسترده درباره استانبول نوشته است و داستان‌هایش، مکان‌هایی را در خود جای داده‌اند که از خاطراتش برگرفته است. تعدادی از شخصیت‌های او در فاصله کمی از خانه دوران کودکی‌اش زندگی می‌کردند. در یک ساختمان دانشگاهی نزدیک، یکی از شخصیت‌های کتابش عاشق شد و دیگری در امتحان ورودی مردود شد.

«موزه معصومیت» کتابی است که پاموک بعد از دریافت جایزه نوبل ادبیات به نوشتن آن مشغول شد و برای نوشتن آن چهار سال زمان گذاشت. «موزه معصومیت» هم عنوان کتاب پاموک است و هم نام موزه‌ای در شهر استانبول که بر اساس داستان این کتاب ساخته شده است. پاموک در یکی از قدم‌زنی‌ها در اطراف محله، از این‌که چگونه خانه‌های چوبی دوران جوانی‌اش با ساختمان‌های آپارتمانی بی‌روح، کافی‌شاپ‌های فانتزی و پیاده‌روهای شلوغ جایگزین شده است، ابراز تاسف کرد. این محله به طور واضح در کتاب «موزه معصومیت» که در سال ۲۰۰۸ منتشر شد، ظاهر می‌شود. این رمان با جزئیات فراوان داستان یک مجرد بورژوا به نام «کمال» را روایت می‌کند که ناامیدانه عاشق فروشنده‌ای جوان‌تر و فقیرتر به نام «فسون» می‌شود و سال‌ها نقشه می‌کشد تا به او نزدیک شود و این در حالی است که زندگی‌اش از مسیر منحرف

می‌شود. در کتاب، کمال وسواس خود را با دزدیدن اشیاء روزمره‌ای که با معشوقش مرتبط می‌داند (نمک‌پاش‌ها، گیره سر، فنجان‌های قهوه، کفش‌ها، یک مسواک، یک کیف بستنی نیمه‌خورده و ۴۲۱۳ تمسبیگار)، فهرست‌وار ثبت می‌کند. پاموک در سال ۲۰۱۲ یک «موزه معصومیت» واقعی در استانبول افتتاح کرد که اشیاء کتاب در آن به نمایش گذاشته شده بود. داستان کتاب «موزه معصومیت» در سال ۱۹۷۵ و بهاری فوق‌العاده زیبا در استانبول اتفاق می‌افتد. کمال، فرزند یکی از ثروتمندترین خانواده‌های شهر، در شرف ازدواج با سبیل، دختر یکی دیگر از خانواده‌های اشرافی، قرار دارد که با یک دختر فروشنده زیبا به نام فوسون که از قضا رابطه فامیلی دوری نیز دارند، آشنا می‌شود. به محض برقراری رابطه‌ای عاشقانه میان این دو نفر، فاصله و شکافی عمیق میان کمال و زندگی غرب‌گرایانه بورژواهای استانبول ایجاد می‌شود، جهانی که خود کمال، با علاقه از مهمانی‌ها و باشگاه‌های شبانه، رستوران‌های شیک و بناهای عظیم آن سخن می‌گفت. این شکاف فکری، به قدری گسترده می‌شود که درنهایت کمال، نامزدی‌اش با سبیل را به هم می‌زند؛ اما برای گرفتن این تصمیم خیلی دیر شده است. کتاب «موزه معصومیت» با کاوش در ماهیت دل‌بستگی‌های عاشقانه، به زرفای زندگی در شهری نیمه غربی و نیمه سنتی به نام استانبول، مدرنیته رو به گسترش و تاریخ فرهنگی شگرف این شهر می‌پردازد. اورهان پاموک این عشق وسواس‌گونه را به بهترین شکل ممکن روایت کرده است. روایت پاموک در «موزه معصومیت» شبیه به یک تحقیق گسترده درباره میل و شیفتگی است. او در این کتاب تقابل دیدگاه سنتی شرق با فرهنگ غرب را نشان می‌دهد.

شهر محل زندگی‌شان، مونترال است که با وسواس دوست‌داشتنی تحقیق ثبت شده است. شجریوفسکی می‌گوید: «ما داریم شهرمان را رمانتیک می‌کنیم. نمی‌توانیم انکارش کنیم. نه اینکه بخواهیم دقیق باشیم؛ فقط باید حس درست می‌داد. باید احساس می‌کردید موسیقی‌ای هست که وقتی در خیابان‌ها قدم می‌زنید، همزمان فقر، تاریکی، عشق و دل‌تنگی را در هوا پخش می‌کند». برای شجریوفسکی، یکی از «لذت‌های بزرگ» این پروژه آن است که شاید «ذره‌ای به ساختن اسطوره‌ای برای محله‌هایی کمک کرده باشیم که در آنها زندگی می‌کنیم و بجه بزرگ می‌کنیم؛ می‌خواهیم از طریق هنر، پیوندی رمانتیک میان آنها و شهری که به آنها داده شده، شکل بگیرد». دختری که مروارید گریست، یکی از پنج اثری است که نامزد بهترین فیلم کوتاه در پنجاه‌وسومین دوره جوایز «آبی» شد و همچنین نامزدی جایزه اسکار را به‌دست آورد که دومین نامزدی لاویس و شجریوفسکی پس از مادام توتلی-پوتلی به‌دست آورد و به‌این ترتیب، سی‌ونهمین نامزدی هیأت ملی فیلم کانادا در بخش انیمیشن کوتاه و هفتادونهمین نامزدی اسکار این نهاد در مجموع را رقم زد.

مضحک بود؛ سرها خیلی بزرگ به‌نظر می‌رسید و هیچ کدام جرأت نداشتم به دیگری بگویم از نو شروع کند. پس تصمیم گرفتم با همین سرهای بزرگ فیلم بسازیم».

شجریوفسکی می‌گوید: «این همان ایده نامعین‌بودن است؛ شرایط را آنقدر رها بسازید که نگران کنترل همه‌چیز نباشید. بگذارید بعضی عناصر مسیر خودشان را ببروند، با این امید و اعتماد که آنها همکاران شما هستند». این رویکرد، راه‌حلی خلاقانه برای یک معضل مالی هم تحمیل کرد؛ اینکه عروسک‌ها چطور حرف بزنند. لاویس می‌گوید: «واقعیت این است که بودجه فناوری دهان متحرک فقط برای سه دقیقه از ۱۷ دقیقه فیلم کافی بود. پس و صورت تبدیل به یک ماسک کاملاً خالی می‌شود».

شجریوفسکی اضافه می‌کند: «در تاتار یونان جواب داده، اینجا هم باید جواب بدهد. استاپ‌موشن در نهایت یک دروغ است؛ یک تردستی سحرانه تا باور کنید اشیای مرده جلوی چشمتان زنده‌اند».

تمام فرایند جان‌بخشی به دختری که مروارید گریست، «پنج سال تمام برای ۱۷ دقیقه» طول کشید. شجریوفسکی درباره لذت این زمان خلاقانه می‌گوید: «لذت بزرگش این است که فیلم را دقیقاً همان‌طور که می‌خواستیم، تمام کردیم. اگر خوب نباشد، تقصیر خود ماست و دانستن این، خوب است. این فیلم یک لحظه منجمد در زمان است که دقیقاً نشان می‌دهد پنج سال کجا ایستاده بودیم». دکورها و پس‌زمینه بازتابی از



شناسه آگهی: ۲۱۲۶۱۵۶

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی

احداث نیروگاه خورشیدی (پنل خورشیدی) جهت ساختمانهای ستادی گمرک جمهوری اسلامی ایران

گمرک جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد نسبت به انجام احداث نیروگاه خورشیدی (پنل خورشیدی) جهت ساختمانهای ستادی گمرک جمهوری اسلامی ایران، از مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی اقدام نماید. بدینوسیله از اشخاص (حقیقی / حقوقی) واجد شرایط، جهت شرکت در این مناقصات به شرح ذیل دعوت بعمل می آید:

۱- فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی:

ردیف	شماره فراخوان	موضوع	مبلغ تضمین (ریال)
۱	۲۰۰۴۰۳۰۰۴۰۰۰۰۳۷	احداث نیروگاه خورشیدی (پنل خورشیدی) گمرک جمهوری اسلامی ایران	۲.۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰

۲- تضمین شرکت درفرایند ارجاع کار به صورت ضمانتنامه بانکی معتبر یا واریز وجه نقد به حساب شماره ۳۰۶۳۷۰۳۰۶۳۷۰۱۰۱۰۱۰۰۴۰۰ به نام تمرکز وجوه سپرده گمرک ج.ا. می باشد.

۳- محل، زمان و مهلت دریافت اسناد مناقصه ،ارسال پیشنهاد و بازگشایی پاکت ها:

۱-۳- کلیه مراحل برگزاری مناقصات از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir انجام می‌پذیرد ومهلت دریافت اسناداز ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ الی ساعت ۱۴:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ می‌باشد.

۲-۳- پاکت (الف) حاوی اصل تضمین حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۷، به نشانی: تهران- بالاتر از میدان ولیعصر(عج) -جنب کوچه شهیدقیومی- ساختمان مرکزی گمرک جمهوری اسلامی ایران- طبقه اول- اداره کل توسعه و تجهیز- اتاق ۱۰۹ تحویل گردد.

۳-۳- مهلت ارسال الکترونیکی پاکت های پیشنهاد حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۷ از طریق سامانه ستاد می‌باشد.

۴-۳- زمان بازگشایی پاکات مناقصه روزسه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۹ ساعت ۱۰:۰۰ صبح خواهد بود.

مناقصه‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سامانه ستاد، پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات ویپورتال گمرک به نشانی www.irica.gov.ir مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۲۱-۸۲۹۹۲۱۲۰ تماس حاصل نمایند.

اداره کل توسعه و تجهیز گمرک جمهوری اسلامی ایران
اداره امور قراردادها و مناقصات

م الف ۴۳۰۳

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

دو نیمه متفاوت

چرا فشار فروش افزایش یافت؟

نسربین خدادادی

گروه اقتصاد

معاملات بورس تهران دیروز درحالی به پایان رسید که شاخص کل بورس با افت ۵۹ هزار و ۲۸۳ واحدی در سطح ۳ میلیون و ۸۲۲ هزار و ۵۸۴ واحد ایستاد و کاهش ۱٫۵۳ درصدی را ثبت کرد. شاخص هم وزن نیز با افت ۴ هزار و ۲۶۴ واحدی به عدد ۹۷۶ هزار و ۸۹۵ واحد رسید و ۰٫۴۳ درصد کاهش یافت. هرچند هر دو نماگر اصلی بازار در محدوده منفی بسته شدند اما بررسی روند دادوستدها نشان می‌دهد، شدت افت شاخص کل نسبت به ساعات ابتدایی معاملات کاهش یافته و بازار در نیمه دوم، متعادل‌تر دنبال شد. در ابتدای معاملات، فشار فروش سنگین‌تری بر بازار حاکم بود و شاخص کل افت بیشتری را تجربه می‌کرد اما به‌تدریج با افزایش تقاضا در برخی گروه‌ها، بخشی از این افت جبران شد. همین موضوع باعث شد، فاصله شاخص کل از کف‌های روزانه بیشتر شود و فضای کلی بازار از حالت هیجانی خارج شود. ارزش معاملات سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی به ۱۱ هزار و ۲۱۲ میلیارد تومان رسید و حجم معاملات نیز ۲۷٫۷ میلیارد برگه سهم ثبت شد که نشان‌دهنده تحرک نسبتاً مناسب معامله‌گران در جریان دادوستدهای دیروز است. سرانه خرید حقیقی‌ها ۶۷٫۲ میلیون تومان و سرانه فروش ۶۱ میلیون تومان بود و قدرت خرید عدد ۱٫۱ را نشان می‌دهد که حاکی از برتری نسبی خریداران در پایان بازار است. ورود پول حقیقی به سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی نیز به ۴۰۵ میلیارد تومان رسید؛ رقمی که در کنار خروج ۱ هزار و ۳۳۱ میلیارد تومان از صندوق‌های درآمد ثابت، نشان می‌دهد، بخشی از نقدینگی در حال انتقال از بازارهای کم‌ریسک‌تر به سمت سهام است. این تغییر مسیر نقدینگی می‌تواند در صورت تداوم به تقویت تقاضا در روزهای آینده منجر شود. در پایان معاملات ۴۱۱ نماد در محدوده مثبت و ۳۹۷ نماد در محدوده منفی قرار گرفتند که بیانگر برتری نسبی نمادهای صعودی نسبت به نمادهای نزولی است. این در حالی است که در ساعات ابتدایی، تعداد نمادهای منفی به شکل محسوسی بیشتر بود و فضای عمومی بازار منفی‌تر دنبال می‌شد. تعداد صف‌های خرید به ۱۱۲ نماد رسید، درحالی که ۸۴ نماد در صف فروش قرار داشتند. همچنین ارزش سفارش‌های خرید ۱ هزار و ۶۲۹ میلیارد تومان و ارزش سفارش‌های فروش ۶۹۹ میلیارد تومان بود که نشان می‌دهد، تقاضا در سمت سفارش‌گذاری قدرت بیشتری نسبت به عرضه دارد. این اختلاف قابل توجه میان ارزش سفارش‌های خرید و فروش، یکی از نشانه‌های بهبود نسبی فضای بازار در نیمه دوم معاملات به‌شمار می‌رود. در مجموع، اگرچه شاخص کل بورس در پایان معاملات ۲۷ بهمن ۱۴۰۴ همچنان در محدوده منفی بسته شد اما کاهش شدت افت، ورود پول حقیقی به سهام، افزایش تعداد نمادهای مثبت و برتری ارزش سفارش‌های خرید نسبت به فروش، همگی نشان‌دهنده تعدیل فشار فروش و حرکت بازار به سمت تعادل بیشتر در مقایسه با ابتدای روز است. تداوم این روند می‌تواند بر چشم‌انداز کوتاه‌مدت بازار سهام اثرگذار باشد و زمینه را برای کاهش نوسانات هیجانی در روزهای آینده فراهم کند. با توجه به کاهش شتاب افت شاخص در نیمه دوم معاملات، ورود ۴۰۵ میلیارد تومان پول حقیقی به سهام و برتری ارزش سفارش‌های خرید نسبت به فروش، می‌توان انتظار داشت پس‌از در کوتاه‌مدت به سمت تعادل بیشتری حرکت کند. اگر این جابه‌جایی نقدینگی از صندوق‌های درآمد ثابت به سهام تداوم یابد و قدرت خرید حقیقی‌ها حفظ شود، احتمال شکل‌گیری یک موج بازگشتی ملایم یا دست‌کم تثبیت شاخص در سطوح فعلی وجود دارد. با این حال، فاصله محسوس افت شاخص کل نسبت به شاخص هم‌وزن نشان می‌دهد همچنان فشار فروش در نمادهای بزرگ پابرجاست و برای تغییر روند پایدار، نیاز به تقویت تقاضا در لیدرهای بازار احساس می‌شود. در مجموع، چشم‌انداز کوتاه‌مدت بازار از فاز هیجانی فاصله گرفته و به سمت نوسان متعادل با تمایل تدریجی به بهبود حرکت می‌کند اما پایداری این وضعیت به تداوم ورود نقدینگی و ثبات متغیرهای کلان وابسته است.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

بازگشت به عصر قدیم!

چرا سیاست فروش نفت در برابر کالای اساسی خطاست؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

می‌گویند اگر یک اشتباه را با هزار و یک دلیل توجیه کنید، در حقیقت هزار و یک اشتباه مرتکب شده‌اید. فروش نفت از هر مسیری جز مسیر شفاف، رقابتی و پاسخگو نیز همین حکم را دارد چراکه هرگونه انحراف از روال روشن و قابل نظارت، به‌جای حل مسئله، زنجیره‌ای از ابهام، رانت و خطاهای بعدی را رقم می‌زند. به همین دلیل، مار مفسدبیرانگیز فروش نفت از مسیرهای نادرست، این بار از آستین وزیر جهاد کشاورزی بیرون آمد. غلامرضا نوری‌قزljحه گفته است: «یکی از روش‌های مناسب برای تأمین کالا، تهاتر با نفت است که ما نیز سقف تهاتر نفت با واردات کالاهای اساسی را افزایش داده‌ام». به گفته وزیر جهاد کشاورزی، «تاکتون شیوه اجرا به این صورت بود که وزارت نفت به تریدرهای نفتی و تجار، محموله‌های نفتی ارائه می‌داد؛ آنها پس از فروش این محموله‌ها، اقدام به واردات کالا می‌کردند. اما از سال آینده مقرر شده است، افرادی که برای واردات کالاهای اساسی اقدام می‌کنند از سوی وزارت جهاد کشاورزی به وزارت نفت معرفی شوند تا این شرکت‌ها محموله‌های نفتی دریافت کنند. همچنین میزان تهاتر نیز افزایش خواهد یافت». منظور آقای نوری‌قزljحه از طرح چنین سخنانی، این است که دولت قصد دارد برای تأمین کالاهای اساسی، به‌جای استفاده از روش‌های معمول پرداخت ارزی از نفت به‌عنوان ابزار مبادله استفاده کند؛ یعنی نفت بدهیم و در مقابل کالا بگیریم. ظاهراً تا امروز روند کار این بوده که وزارت نفت، محموله‌های نفتی را به برخی واسطه‌ها یا شرکت‌های بازرگانی می‌داد؛ آنها نفت را در بازار می‌فروختند سپس با پول حاصل از فروش، کالا وارد می‌کردند. اما طبق صحبت‌های وزیر از سال آینده قرار است وزارت جهاد کشاورزی خودش واردکنندگان کالاهای اساسی را معرفی کند تا آن شرکت‌ها مستقیماً نفت دریافت کنند و درازای آن کالا وارد کنند. همچنین سقف یا حجم این نوع مبادله نیز افزایش خواهد یافت. به بیان ساده‌تر، دولت می‌خواهد واردات کالاهای اساسی را مستقیماً به تحویل نفت گره بزند و نقش واسطه‌های قبلی را تغییر دهد یا بازتعریف کند. این روش معمولاً در شرایط محدودیت‌های ارزی یا تحریم به‌کار گرفته می‌شود چون به‌جای جابه‌جایی رسمی پول، از مبادله پایاپای استفاده می‌کند.

در چنین مدلی، بیشترین منفعت نصیب واسطه‌ها و معامله‌گران خاص می‌شود که بدون رقابت عمومی انتخاب می‌شوند. شرکت‌های نزدیک به مراکز تصمیم‌گیری که سهمیه نفت یا مجوز واردات می‌گیرند، شبکه‌های غیرشفاف مالی که از تفاوت قیمت‌ها و ابهام در نرخ تبدیل سود می‌برند و هر

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

سهام روشن

چرا آینده بازار سهام روشن است؟

مهدی رباطی

تحلیلگر اقتصاد

بورس ایران شرایط عجیبی را می‌گذرانند که شاید در چهاردهه گذشته بی‌سابقه باشد. از یک سو، با افزایش قیمت ارز در ماه‌ها و سال‌های گذشته، ارزش دلاری کل بازار به کمتر از حتی یک شرکت متوسط در بورس‌های بزرگ و متوسط دنیا رسیده است و از سوی دیگر، گزارش‌های شرکت‌ها نشان‌دهنده وضعیت عالی فروش و سودآوری است.

با این حال، به دلیل ریسک‌های سیستماتیک که بخش زیادی از آن رسانه‌ای و ذهنی است تا واقعی، وحشتی بر بازار حاکم شده که منجر به سقوط مداوم آن شده است. دلایل این وضعیت مفصل است. با این حال، ایران آینده‌ای بسیار درخشان دارد و در یک دوره دو تا سه ساله از وضعیت فعلی عبور خواهد کرد. پس از این عبور، بورس ایران با مدیریت شایستگان و بهبود

مجموعه‌ای که به اطلاعات یا دسترسی ویژه پیش از دیگران دست پیدا کند، برنده این روش ناشفاف هستند. علاوه بر این، اگر سازوکار تهاتر نفت به‌گونه‌ای طراحی شود که حلقه‌های محدود و برخوردار از رانت، دوباره بدون رقابت و شفافیت به منابع دسترسی پیدا کنند، در عمل تفاوت ماهوی با توزیع ارز ترجیحی نخواهد داشت. فقط نوع رانت از ارز ارزان به نفت واگذارشده تغییر می‌کند. در این حالت، منتفعان بالقوه همان شبکه‌های نزدیک به تصمیم‌گیری و واردکنندگان خاص خواهند بود و انتقاد بازتوزیع امتیاز به ذی‌نفعان قبلی قابل طرح است.

با این حال تهاتر نفت با واردات کالاهای اساسی، به‌ویژه



وقتی از مسیرهای غیرشفاف و خارج از سازوکارهای رسمی انجام شود، می‌تواند چند اشکال جدی ایجاد کند. اشکال اصلی این روش نه صرفً تهاتر بلکه نحوه اجرا و نبود شفافیت، رقابت و نظارت مؤثر است. هرچه فرآیند فروش نفت و واردات کالا از چارچوب‌های شفاف و قانون‌مند فاصله بگیرد، احتمال اتلاف منابع عمومی و شکل‌گیری فساد بیشتر خواهد شد. اشکال مهم دیگر این است که چنین روشی عملاً فرآیند فروش نفت را از مسیرهای قابل نظارت خارج می‌کند و آن را به شبکه‌ای از واسطه‌ها و شرکت‌های منتخب می‌سپارد. هرچه حلقه‌های واسطه بیشتر و معیارهای انتخاب مبهم‌تر باشد، زمینه برای رانت، تبعیض و فساد گسترده‌تر می‌شود. اشکال بعدی این است که تهاتر باعث از بین رفتن شفافیت مالی می‌شود. وقتی نفت به‌صورت نقدی فروخته نمی‌شود و در مقابل آن کالا دریافت می‌شود، ارزیابی دقیق قیمت نفت فروخته‌شده، هزینه‌های واسطه‌گری، تخفیف‌ها و ارزش واقعی کالای وارداتی دشوار می‌شود. این ابهام می‌تواند منجر به فروش نفت با تخفیف‌های پنهان یا واردات کالا با قیمت بالاتر از ارزش واقعی شود، بی‌آنکه نظارت عمومی مؤثری بر آن وجود داشته باشد.

همچنین این روش می‌تواند نظام بودجه‌ای کشور را از حیز انتفاع خارج کند. درآمدهای نفتی طبق قانون باید به خزانه واریز سپس در چارچوب بودجه هزینه شود. وقتی نفت مستقیماً با کالا تهاتر می‌شود، بخشی از جریان درآمد و هزینه

شرایط سیاسی و اقتصادی با تغییرات اساسی حکمرانی کشور یکی از پربازده‌ترین بازارهای دنیا خواهد بود. در آن سال‌ها این روزها به خاطر‌های تبدیل خواهد شد؛ روزهایی که شرکتی که حداقل ۵۰ میلیارد دلار می‌ارزید، روی تابلو با ۵۰۰ میلیون دلار معامله می‌شد و باز کسی آن را نمی‌خرید. برای افرادی که با دید ۵ تا ۱۰ ساله در بازار ملک سرمایه‌گذاری می‌کنند، سرمایه‌گذاری با همان دید در بورس تهران با ضریب اطمینان بالای ۸۰ درصد توصیه می‌شود.

با توجه به این شرایط، آنچه اهمیت دارد صبر و نگاه بلندمدت سرمایه‌گذاران است. بازار سهام ایران در دوره‌های گذشته بارها نشان داده است که حتی پس از افت‌های شدید با بازایی اعتماد و بهبود شرایط بنیادی شرکت‌ها، توان بازگشت و رشد قابل‌توجه را دارد. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که کاهش‌های کوتاه‌مدت شاخص، فرصت‌های خرید در قیمت‌های پایین و افزایش بازدهی بلندمدت را فراهم می‌کند. این موضوع به‌ویژه برای کسانی که چشم‌انداز سرمایه‌گذاری‌شان بیش از پنج سال است،

از مسیر رسمی خارج می‌شود که تضعیف انضباط مالی را به دنبال دارد و این مسئله در بلندمدت به بی‌نظمی مالی و کاهش پاسخگویی ختم می‌شود.

علاوه بر همه این موارد، سپردن نقش توزیع نفت به واردکنندگان کالاهای اساسی، تضاد منافع هم ایجاد می‌کند. واردکننده‌ای که نفت دریافت می‌کند عملاً هم فروشنده نفت است و هم خریدار کالا؛ در چنین وضعی انگیزه دارد، نفت را حتی با تخفیف بالا بفروشد تا سریع‌تر به منابع دست یابد و در سوی دیگر ممکن است، کیفیت یا قیمت کالای وارداتی بهینه نباشد. طبیعی است که چنین سازوکاری پیام اشتباهی هم به بازار می‌دهد. به جای اصلاح ساختار تجارت خارجی، تقویت شفافیت و کاهش محدودیت‌ها به راه‌حل‌های غیرمعارف و کوتاه‌مدت متوسل می‌شود؛ راه‌حل‌هایی که معمولاً در شرایط تحریمی یا فشار شدید مالی به کار گرفته می‌شوند و خود می‌توانند وابستگی به شبکه‌های غیررسمی و پریسک را افزایش دهند.

اما سوال این است که مسیر درست فروش نفت چیست؟ برخی می‌گویند اگر فرض کنیم، تهاتر نفت با کالا مسیری پریسک یا مستعد فساد است، مسیر درست لزوماً حذف کامل آن نیست بلکه جایگزین کردن آن با سازوکارهایی شفاف، رقابتی و قابل نظارت است. مسئله اصلی در چنین مدل‌هایی معمولاً نبود شفافیت در قیمت‌گذاری نفت، انتخاب محدود و غیررقابتی شرکت‌ها، ابهام در نرخ تبدیل نفت به کالا و دشواری نظارت عمومی بر قراردادهاست. به عقیده اقتصاددانان مسیر درست این است که تأمین کالاهای اساسی از کانال‌های رسمی و قابل رصد ارزی انجام شود. یعنی یا از طریق فروش شفاف نفت و بازگشت ارز به چرخه رسمی کشور سپس تخصیص ارز از مسیر بانک مرکزی برای واردات، یا از طریق سازوکارهای مالی رسمی و چندجانبه که امکان حسابرسی و کنترل دارند. در این چارچوب، دولت باید نقش تنظیم‌گر داشته باشد نه توزیع‌کننده رانت. تخصیص واردات باید از طریق فراخوان عمومی، رقابت واقعی و معیارهای روشن انجام شود، نه معرفی موردی شرکت‌ها. همچنین قیمت نفت تحویلی و ارزش کالای وارداتی باید بر مبنای شاخص‌های بین‌المللی و با انتشار عمومی اطلاعات تعیین شود تا امکان مقایسه و نظارت فراهم باشد. استفاده از ابزارهایی مانند بورس انرژی، مزایده‌های شفاف صادراتی، سامانه‌های آنلاین ثبت قرارداد و گزارش‌دهی منظم به نهادهای نظارتی و افکار عمومی می‌تواند، ریسک فساد را به‌طور چشمگیری کاهش دهد. در نهایت، راه پایدار تأمین کالاهای اساسی نه در پیچیده‌تر کردن مسیرهای مبادله بلکه در ثبات سیاست ارزی، کاهش کسری بودجه، تنوع‌بخشی به صادرات غیرنفتی و کاستن از وابستگی به روش‌های اضطراری است. زیرا هرچه اقتصاد به وضعیت عادی‌تر و پیش‌بینی‌پذیرتر نزدیک‌تر شود، نیاز به تهاترهای خاص و پرابهام نیز کمتر خواهد شد.

اهمیت دارد. بورس تهران می‌تواند به بازاری تبدیل شود که هم نقش جذب سرمایه داخلی و هم نقش حمایت از صنایع و توسعه اقتصادی را ایفا کند. وقتی شرکت‌ها توان تأمین سرمایه و اجرای پروژه‌های توسعه‌ای را پیدا کنند، سودآوری آنها افزایش می‌یابد و این موضوع خود به جذب سرمایه بیشتر منجر می‌شود. در چنین شرایطی حتی ریسک‌های سیاسی و اقتصادی نیز قابل مدیریت خواهند بود و بازار می‌تواند به یکی از پربازده‌ترین و جذاب‌ترین بازارهای منطقه و جهان تبدیل شود. برای سرمایه‌گذاران، درس اصلی این است که دید کوتاه‌مدت و واکنش هیجانی به نوسانات، معمولاً منجر به زیان می‌شود. اما نگاه بلندمدت، انتخاب شرکت‌های بنیادی و تکیه بر تحلیل و اطلاعات معتبر، مسیر موفقیت را هموار می‌کند. بنابراین همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، سرمایه‌گذاری با دید پنج تا ۱۰ ساله در بورس تهران، با رعایت اصول مدیریت ریسک و انتخاب صحیح سهام، می‌تواند بازدهی بسیار بالایی داشته باشد و فرصت‌های بی‌نظیری برای رشد سرمایه ایجاد کند. روزهایی که بازار سهام در مقایسه با ارزش واقعی خود دچار افت شدید بود به خاطره‌ای تبدیل خواهد شد و سرمایه‌گذاران هوشمند، با نگاه بلندمدت، از این دوره گذرا بهره خواهند برد و شاهد رشد چشمگیر بازار خواهند بود. این مسیر نه تنها برای بورس ایران بلکه برای اقتصاد کشور نیز فرصت‌های تازه‌ای ایجاد خواهد کرد و می‌تواند به تقویت سرمایه‌گذاری داخلی و افزایش اعتماد عمومی منجر شود.

سهم ۲۸ درصدی

چرا دهه هشتادی‌ها و نودی‌ها خط‌مقدم اعتراضات دی‌ماه شده‌اند؟

گروه اجتماعی: بیش از ۴۰ روز از حوادث تلخ و ملتهب دی‌ماه سپری شده اما پس‌لرزه‌های آن هنوز در راهروهای بهارستان‌ها، راهروهای دادگاه‌های اطفال و بیش از هر کجای دیگر در اتمسفر سنگین مدارس احساس می‌شود. روز گذشته، فرشاد ابراهیم‌پور، عضو کمیسیون آموزش مجلس، آماری را رسانه‌ای کرد که اگرچه با هدف آرام‌سازی فضا و اعلام خبر «آزادی بخش اعظمی از بازداشتی‌ها» بیان شد اما در بطن خود حامل یک زنگ خطر بزرگ اجتماعی بود: حدود ۲۸ درصد بازداشت‌شدگان حوادث اخیر زیر ۲۰ سال سن دارند. این عدد، تنها یک آمار سرد در میان گزارش‌های رسمی نیست؛ این برشی عریان از واقعیت جدیدی است که نقطه‌ان در سال ۱۴۰۱ بسته شد و در دی‌ماه ۱۴۰۴ با شدت و صراحتی بیشتر به نقطه اوج خود رسید. نوجوانی که باید پشت میزهای مدرسه، الفبای توسعه و مدنیت را بیاموزد اکنون در آمارهای امنیتی جایگاهی ۲۸ درصدی پیدا کرده است. اما پرسش بنیادین اینجاست: چرا نظام تدبیر و ساختار قضایی، به‌رغم وجود قوانین صریح حمایتی، باز هم با «کودک-معترض» مواجهه‌ای پیدا می‌کند که او را تا آستانه کانون اصلاح و تربیت پیش می‌برد؟ و مهم‌تر آنکه، چه بر سر جامعه‌آمده است که سن اعتراض تا این حد سقوط کرده است؟

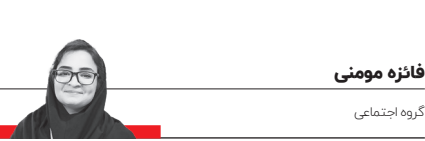
حقوقی که در غبار «بحران» گم شد

مطابق نص صریح قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری ایران، اطفال زیر ۱۵ سال مطلقاً مرا از مسئولیت کیفری هستند. عثمان سالاری، نایب‌رئیس کمیسیون حقوقی مجلس، اخیراً به‌درستی یادآوری کرد که برای این گروه سنی، چیزی به‌نام «مجازات حبس» در نظام حقوقی ما تعریف نشده‌د و حداکثر اقدام قانونی، تحویل به والدین یا اقدامات تربیتی است. حتی

جامعه

گرانی بدون ترمز

از پوشک ۳ میلیونی تا افزایش مجدد روغن نباتی



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

درحالی‌به آخرین روزهای سال نزدیک می‌شویم که تقویم اقتصادی ایران، سخت‌ترین روزهای خود را سپری می‌کند. بررسی‌های میدانی از کف بازار تهران و شهرستان‌ها، تصویری از یک تورم فزاینده که قدرت خرید را قفل می‌کند به نمایش می‌گذارد که دیگر به کالاهای لوکس یا سرمایه‌ای محدود نیست؛ حالا تیغ تیز گرانی به معیشت رسیده است. از اتاق خواب کودک و آشپزخانه‌خانوار تا کارگاه‌های ساختمانی، همه جا یک ترجیع‌بند مشترک شنیده می‌شود: «قیمت‌ها ساعت می‌زند». در این میان، آنچه بیش از پیش افکار عمومی را به ستوه آورده، سکوت آمیخته به بی‌برنامگی است.

از پوشک قسطی تا طعم تلخ شیرینی

شاید سوررئال‌ترین تصویر از وضعیت فعلی اقتصاد ایران را بتوان در ویتترین داروخانه‌ها و فروشگاه‌های زنجیره‌ای یافت. جایی که پوشک بچه، به‌عنوان استراتژیک‌ترین کالای خانواده‌های دارای نوزاد به کالایی «اعتباری» تبدیل شده است.

وقتی یک بسته ۲۰ عددی پوشک س‌اده از ۲۰۰ هزار تومان به یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان رسیده و برندهای باکیفیت‌تر با قیمت‌های نجومی ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی عرضه می‌شوند، دیگر صحبت از رفاه نیست؛ صحبت از یک بحران بهداشتی و اجتماعی است. فروش قسطی پوشک، که پیش از این تنها در بازار خودرو و لوازم خانگی مصداق داشت، نشانه‌ای بالینی از مرگ قدرت خرید طبقه متوسط و فرودست است.

این تلخی در بازار خوراکی‌ها نیز با شدتی مضاعف احساس می‌شود. درست در روزهایی که مردم خود را برای استقبال از سال نو آماده می‌کنند، انجمن صنفی روغن نباتی در همین ۲۷ بهمن‌ماه، شوک ۱۲ درصدی دیگری را به سفره‌ها تزریق کرد. این افزایش قیمت تنها ۴۰ روز پس از موج قبلی رخ داده است؛ گویی نهادهای صنفی در یک مسابقه دو سرعت برای رساندن قیمت کالاها به نرخ ارز آزاد هستند.

برای نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال نیز اصل بر «عدالت ترمیمی» و نگهداری در کانون به‌عنوان آخرین حربه است. اگرچه وزیر دادگستری و سخنگوی دولت از آزادی‌های سریع و تشکیل کمیته‌های مشاوره سخن می‌گویند اما نفس ورود یک دانش‌آموز به چرخه بازداشت و بازجویی، خدشه‌ای جبران‌ناپذیر بر روان نسلی وارد می‌کند که هنوز هویت اجتماعی‌اش در حال تکوین است. گزارش‌هایی که از برخی شهرها مبنی بر فضای سنگین در مدارس به گوش می‌رسد، نشان از آن دارد که میان «متن صریح قانون» و «اجرای خیابانی» شکافی وجود دارد که هزینه آن را نوجوانان می‌پردازند. وقتی قانون‌گذار بر مصلحت عالیه کودک تأکید دارد، چگونه است که باز هم عدد ۲۸ درصد از تریبون مجلس شنیده می‌شود؟

از ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴: وقتی مدرسه «سیاسی» شد

برای فهم چرایی پایین آمدن سن اعتراض باید به عقب بازگشت؛ به پاییز ۱۴۰۱. در آن مقطع، بسیاری از تحلیلگران از پدیده‌ای به‌نام «غافلگیری در لحظه نوجوانی» سخن گفتند. نسلی که در عصر شبکه‌های اجتماعی و پیوند با جهان دیجیتال بزرگ شده، زبانی را برای بیان خواسته‌هایش برگزیده که برای نسل‌های پیشین غریبه است. در دی‌ماه امسال، این روند نه‌تنها فروکش نکرد بلکه با غلظت بیشتری بازگشت. نوجوان امروزی، برخلاف نسل‌های قبل، میان «کتاب درسی» و «واقعیت سفره» تضادی بنیادین می‌بیند. تورم سرسام‌آور، ناامیدی از آینده شغلی و سهمیه‌بندی‌های آموزشی که عدالت تحصیلی را زیر سوال برده، دانش‌آموز را به این نتیجه رسانده که مدرسه دیگر آن «آسانسور اجتماعی» سابق نیست که او را به طبقات بالاتر برساند. وقتی

به مهر امسال، به‌معنای آن است که هزینه ساخت به شکلی افسارگسیخته از توان مالی سازندگان و خریداران فراتر رفته است.

وقتی نهادهای ساختمانی مانند فولاد و سیمان بدون هیچ ضابطه روشنی و تحت تأثیر سوداگری در بورس کالا گران می‌شوند، وعده‌های دولت برای ساخت مسکن ارزان‌قیمت بیشتر به یک شوخی تلخ شبیه است. این جهش قیمتی در مصالح، مستقیماً به‌بهای تمام‌شده واحدها اضافه شده و دسترسی دهک‌های پایین به سرپناه را به محال مطلق تبدیل کرده است.

پارادوکس صبور و سفره‌های خالی

در مواجهه با این سونامی قیمتی، واکنش مسئولان دولتی بیش از آنکه تسکین‌دهنده باشد، تحریک‌کننده است. سخنان اخیر سخنگوی دولت مبنی بر اینکه «صدای بلند مردم نشانه فشار بالاست»، اگرچه اعتراف به بحران است اما فاقد هرگونه راه‌حل عملیاتی است.

واقعیت این است که سیاست‌های اقتصادی فعلی، بیش از آنکه بر مدار حمایت از معیشت باشد، بر مدار آزمون و خطا می‌چرخد. حذف ارزهای حمایتی بدون تعبیه جایگزین‌های کالایی مؤثر، تنها باعث شده که کالاها با سرعت نور به سمت قیمت‌های جهانی حرکت کنند، درحالی‌که دستمزدها با سرعت لا‌کمبشتی در جا می‌زنند. برخورد «گازانبری» با نقدهای اقتصادی و امنیتی‌سازی مطالبات معیشتی، تنها باعث فرسایش اعتماد عمومی شده است. مردم می‌پرستند چگونه می‌توان در برابر گران شدن سه برابری روغن در چند ماه

یا قسطی شدن پوشک بچه صبور کرد؟

اگر دولت به‌جای گفتاردرمانی و حواله دادن مشکلات به ساختارهای گذشته، بسته حمایتی فوری و واقعی برای دهک‌های آسیب‌پذیر ارائه ندهد و ترمز لجام‌گسیخته قیمت‌ها را در بخش مصالح و اقلام اساسی نکشد، آستانه تاب‌آوری جامعه به نقطه‌ای خواهد رسید که دیگر با وعده و وعید قابل ترمیم نخواهد بود.

معیشت مردم، زمین بازی آزمایش‌های اقتصادی نیست؛ سفره‌هایی که خالی‌شده‌اند با «شنیدن صدا» پر نمی‌شوند، نان می‌خواهند و تدبیر.



دقیق سهم نوجوانان در این میان، تنها صورت مسئله را پاک می‌کند و پیرش‌های افکار عمومی را بی‌پاسخ می‌گذارد.

بحران اعتماد و ضرورت بازگشت به آموزش

مدارس ایران در وضعیتی برزخی قرار دارند. از سویی فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، از اعزام تیم‌های روان‌شناسی و راه‌اندازی خطوط مدیریت بحران برای کاهش آسیب‌های روحی دانش‌آموزان سخن می‌گوید که گامی مثبت و رو به جلوست. اما از سوی دیگر روان‌شناسان اجتماعی هشدار می‌دهند که بازداشت نوجوانان حتی برای چند روز، «بذر بیگانگی» را در دل آنها می‌کارد. آنچه از برآیند نظرات حقوق‌دانانی چون صالح تفره‌کار و نمایندگان چون عثمان سالاری برمی‌آید یک اصل کلیدی است: نوجوان معترض را نباید با متر و معیار مجرمان حرفه‌ای و امنیتی سنجید. قانون ما پیش‌بینی کرده است که در مواجهه با نوجوان باید «مصلحت طفل» اولویت اول باشد. اگر ۲۸درصد بازداشتی‌ها زیر ۲۰ سال هستند، یعنی سیستم‌های پیشگیری اجتماعی، نهادهای فرهنگی و دستگاه‌های تربیتی ما در انجام وظایف خود شکست خورده‌اند و حالا بار این شکست بر دوش دستگاه قضایی و انتظامی افتاده است. پایین آمدن سن اعتراض، پیامی است که جامعه‌شناسان سال‌هاست، فریاد می‌زنند: «شکاف نسلی» در حال تبدیل شدن به «گسل نسلی» است.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۴۱۰۰۵۵۳۰ مورخ ۱۴۰۴/۹/۲۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملک قشم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای گلوردی گلستانی به شماره شناسنامه ۳۲۳ دارای کد ملی ۵۳۰۹۷۶۴۰۷۰ صادره از مهدی شهر فرزند محمد علی در شش دانگ یک قطعه زمین زراعی با کاربری کشاورزی به مساحت ۱۵۸۴/۰۶ متر مربع پلاک ۲۰۳ فرعی از ۲۸ اصلی واقع در ابنیک بخش ۱۱ تهران تایید و رای خود را پس از وصول نامه اداره اب و اداره منابع طبیعی شمیرانات اداره راه شهرسازی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند، بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

۱۷۲۹۹م الف
رییس
واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قشم –امیرحسین آذرنیان
شناسه آگهی ۲۱۰۹۴۸۰

آگهی فقدان سند مالکیت

(شماره نامه :۱۴۰۴۸۵۶۱۶۰۰۱۰۴۶۸۷۰)

خاتم زهر/افکنند ی با تقدیم دو برگ استنادیه مصدق شده مدعی است که سند مالکیت پلاک ۱۵۴۵۰ فرعی از ۳۵۸ – اصلی یا مشخصات ذیل: مشخصات ملک : یک قطعه زمین به پلاک ثبتی ۱۵۴۵۰ فرعی از ۳۵۸ اصلی مشخصات مالکیت: مالکیت زهر/ افکنند ی بعنوان مالک شش دانگ عرصه با شماره مستند مالکیت ۱۰۷۲۳۷ تاریخ ۰۶/ ۱۰/ ۱۳۹۵/ دفتر خله اسناد رسمی شماره ۳۱ شهر کرمانشاه استان کرمانشاه، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۷۱۸۳۵۱ سری ب سال ۹۴ یا شماره دفتر الکترونیکی ۰۱۰۰۷۷۶۴-۱۳۹۵۲۰ ثبت گردیده است. بر اثر سهل انگاری مفقود گردیده لذا مراتب طبق ماده ۱۲۰ – آیین نامه قانون ثبت دریک نوبت آگهی می شود ناچنانچه فرد یا افرادی مدعی انجام معامله باوجود سندمالکیت در نزد آنان میباشد ازتاریخ انتشاراین آگهی به مدت ۱۰ روز مراتب را به این اداره اعلام دارند در غیر اینصورت نسبت به صدور سند مالکیت طبق مقررات اقدام و سند مالکیت اولیه از درجه اعتبار ساقط و ابطال خواهد شد. / ۷۸۸۶ محمد عباسی – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک

